

# درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

گفتگو با محسن ابراهیمی

صفحه ۳

## رضا پهلوی نماینده کدام تحول؟

علی جوادی

صفحه ۸

## آلترناتیو همین جاست!

آرش دشتی

صفحه ۱۰

## به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



### اقدام انقلابی

ویدا موحد

و دختران خیابان انقلاب

یکساله شد،

پیش بسوی

تظاهرات سراسری

علیه حجاب اجباری

مارس سال ۵۷ روز جهانی زن، با ایستادگی در مقابل فرمان خمینی به حجاب اجباری، با ایستادگی مقابل قوانین و حکومت اسلامی آغاز شده بود بیش از پیش دیده شود و مبارزه زنان و کل جامعه از نظر سیاسی به نقطه ای برگشت ناپذیر منتقل شود. ویدا موحد و دختران خیابان انقلاب توانستند با این اقدام جسورانه، پایه های نظام ضد زن و زن ستیز جمهوری اسلامی را بیش از پیش به لرزه درآورد و اثبات کند زنان با مبارزه آزادیخواهانه، برابری طلبانه، مدرن و سکولار خود، تیغ سرکوب این حکومت را در عرصه حجاب اجباری بشکنند و این حکومت را به عقب برانند.

صفحه ۲

یکسال پیش در چنین روزی يك زن شجاع بنام ویدا موحد، در خیابان انقلاب تهران حجاب از سر برداشت و با سر چوب کردن آن، اعتراض علنی خود به این ابزار تحقیر و کنترل زن و به چهل سال سرکوب میلیونها زن را اعلام کرد. ویدا موحد به نماد قدرتمند انقلاب زنانه، و یکی از نمادهای بی چون و چرای انقلاب مردم ایران تبدیل شد، انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه، که از سال ۵۷ آغاز شد اما به دست جمهوری اسلامی به عنوان یکی از نمایندگان جنبش اسلام سیاسی در خاورمیانه سرکوب شد.

اقدام ویدا موحد و در ادامه کارزار تکثیر دختران خیابان انقلاب باعث شد مبارزه چهل ساله زنان و جنبش نوین رهایی زن که از هشتم

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۶

جمعه ۷ دی ۱۳۹۷، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۸

## نیشکر هفت تپه

يك كانون داغ جدال کارگری

شهلا دانشفر

جمهوری اسلامی آشکارا در قبال اتفاق عظیمی که در نیشکر هفت تپه، این مجتمع بزرگ کارگری روی داده است، خود را بازنده می بیند و در تقلاست که به اشکال مختلف کنترل خود بر اوضاع را بازباید. این را نه فقط از تعرض به نمایندگان محبوب کارگران، بلکه از تلاشهایی که بعد از آن نیز در جریان است میتوان مشاهده کرد. هم اکنون نیشکر هفت تپه به يك كانون مهم جدال کارگران با حکومت اسلامی تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ناچار شد کارگران دستگیر شده را تبریته کند و در عین حال بنا به گزارشها در تقلاست که پرچم شوراهاى رسواى اسلامیش را در این كانون خوش نام جنبش کارگری بلند کند.

در این هفته شاهد بودیم که بعد از بگیر و ببندهایی که همه از آن خبر دارند، دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ناچار شد زیر فشار اعتراضات گسترده، پانزده کارگر بازداشتی نیشکر هفت تپه را تبریته کند. این کارگران شامل جمعی از هیات نمایندگی کارگران و صفحه ۲

## اطلاعیه های حزب

صفحات ۱۱ تا ۱۷

## اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران

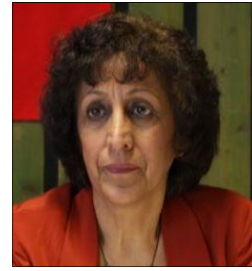
به ۳۴ شهر رسید

صفحه ۱۷

تمام آمرین و عاملین  
جنایات جمهوری اسلامی  
در چند دهه گذشته  
باید دستگیر و علنا  
محاكمه شوند!

از صفحه ۱

## نیشکر هفت تپه يك كانون داغ جدال كارگري



ديگر فعالين كارگري اين كارخانه هستند كه در جريان اعتراضات شورانگيز كارگران نيشكر هفت تپه بازداشت شده و سپس با قرار وثيقه آزاد شده بودند. قابل توجه است كه در اين حكم، تجمعات قدرتمند كارگران نيشكر هفت تپه كه شهر شوش را به حرکت در آورد و صدای اين كارگران را در سطح جامعه و جهان انعكاس داد، تحت عنوان "تجمعات مسالمت آميز" قانونی اعلام شد و بر اساس آن به اين كارگران حكم منع تعقيب داده شد. اين خيانت سوي فرزانه زيلايی و وكيل كارگران بازداشتی نيشكر هفت تپه انتشار یافت و او ضمن گزارش اين خبر از بازبودن پرونده ۴ نفر ديگر از نمايندگان كارگران نيشكر هفت تپه از جمله اسماعيل بخشي، مسلم آرمند، سيد حسن فاضلي و محمد خنيفر و نيز سپيده قليان خيرنگاری كه در جريان مبارزات اين كارگران بازداشت شده است، خبر داد. اين در حاليست كه علي نجاتی عضو هيات مديره سنيدكای نيشكر هفت تپه و عسل محمدی دو نفر ديگر از بازداشت شدگان نيشكر هفت تپه همچنان در زندانند و كارگران خواستار بسته شدن تمامی پرونده های امنيتی و آزادی فوری و بدون قيد و شرط علی نجاتی و عسل محمدی هستند.

نفس تبرئه شدن پانزده كارگر نيشكر هفت تپه خود يك موفقیت و بطور واقعی ضربه ای بر احكام امنيتی رژيم اسلامی بود. همانطور كه آزادی اسماعيل بخشي نماينده محبوب كارگران يك پيشروی بزرگ برای اين كارگران و كل

جنبش كارگري و همه مردم بود. اما از سوي ديگر همانگونه كه اشاره شد، حكومت اسلامی بشدت در تقلاست كه شورای اسلامی را در نيشكر هفت تپه برپا كند و به اين ترتيب حتی بصورت نمايشی هم كه شده، پرچم خود را بر سر در هفت تپه اين كانون مهم جنبش كارگري، بكويد. با اين كار جمهوری اسلامی ميخواهد به خيال خود شورای مستقل كارگران و هيات نمايندگی شان را به محاق ببرد و اين مهد جنبش شورایی كه گفتمان اداره شورایی را در درون جنبش كارگري و كل جامعه به جلو آورده است را عقب بزند.

بنا به گزارشهای منتشر شده حكومت اسلامی برخی كارگران را با ارباب و تهديد ميخواهد ناچار به تن دادن به ايجاد شورای اسلامی در اين مجتمع نمايد. برخی كارگران كه قبلا زیر فشار در اين شوراهای كذايي ثبت نام کرده بودند بعدا انصراف خود را اعلام كردند و حكومت آنها را مورد تهديد و ارباب قرار داده و گفته اند كه شورای اسلامی خط قرمز ماست. اين كارگران برای اعلام انصراف به اداره كار ارجاع داده شدند و در اداره كار متوجه شدند كه دادستان شوش و رئيس اطلاعات اين شهر در آنجا حضور دارند و ميخواهند با فشار و تهديد مانع انصراف كارگران شوند. نفس همین تقلاها و تلاشها نشان ميدهد كه وضعیت حكومت و شوراهای اسلامی چقدر نزار و مفلوك است.

روشن است كه با چنین تشبثاتی و با هيچ درجه از سر كوب نمیتوان گفتمان

شورایی را كه كارگران نيشكر هفت تپه در سطح جامعه به جلو آوردند و رهبرانی چون اسماعيل بخشي در صف جلوی آن درخشيدند را عقب زد. برعكس اين تلاشها خود به موضوع جدالی ديگر در نيشكر هفت تپه تبديل شده و بحث شورای مستقل كارگران و هيات نمايندگی كارگران را داغتر کرده است.

واقعيت مهم اينست كه نيشكر هفت تپه گامهای عملی موثری برای ايجاد شوراهای كارگري برداشته و تا همین جا الگوی خوبی برای كل جنبش كارگري و كل جامعه بدست داده است. پاسخ كارگران در برابر تشبثات جمهوری اسلامی حفظ صف متحد خود و ارج گذاشتن اين دستاوردهايشان است. پاسخ كارگران متكي شدن به مجمع عمومی خود و حمايت همه جانبه از نمايندگان منتخب خود و نماينده محبوبی چون اسماعيل بخشي است. پاسخ كارگران تاكيد و پافشاری بر روی بسته شدن كامل پرونده های امنيتی تشكيل شده برای كارگرانی كه طی اين مدت بازداشت شده اند و آزادی فوری و بدون قيد و شرط ديگر بازداشت شدگان است. اين چنین است كه كارگران نيشكر هفت تپه ميتوانند با قدرت مطالباتشان را نيز پيگير شوند و همچنان نقش پيشتاز خود را ايفا كنند.

نكته مهم ديگری كه بايد توجه كرد اينست كه اين جدال فقط به كارگران نيشكر هفت تپه مربوط نيست، بلكه به كل كارگران و كل فضای سياسی جامعه پيوند مستقيم دارد و حمايت از كارگران نيشكر هفت تپه و برجسته كردن دستاوردهای مبارزه اين كارگران يك اقدام مهم در پيشروی كل طبقه كارگر و جنبش آزاديخواهی در برابر حكومت ارتجاعی جمهوری اسلامی است. \*

## از صفحه ۱ اقدام انقلابی ويدا موحد و ...

ويدا موحد به نام "دختر انقلاب" در سراسر دنيا شناخته شد و تصوير غالب بر جهان مبنی بر اينكه مردم ايران، مردم مذهبی هستند و حجاب و قوانين مذهبی انتخاب زنان و مردم ايران است را با قدرت تمام بهم ريخت و تصويری از مردم ايران، بخصوص زنان ايران به جهان داد كه خواهان رهایی از مذهب و فرهنگ ارتجاعی، رهایی از نرينه سالاری و فرهنگ سنت زده هستند.

ويدا موحد الهام بخش كارزار تكثير دختران خيابان انقلاب شد. در سراسر ايران زنان بسياری با برداشتن حجاب از سر، در اماكن عمومی و مشخصا مقابل مساجد و پايشگاههای بسيج و دفاتر امام جمعه كه مراكز فاشيسم اسلامی و نمايندگان حكومت سر كوبيگر جمهوری اسلامی هستند، اقدام به مخالفت علنی با حجاب اجباری كردند. حتی مردان بسياری در اعتراض به ستم بر زنان، شالها و روسری ها را سر چوب كردند، و يك مبارزه علنی، قدرتمندانه و سراسری عليه حجاب، تبعيض و نابرابری، بردگی جنسی و ستم بر زن را در بستر خيزش انقلابی زمستان ۶۹ و در خلال اعتراضات سراسری به نمايش گذاشته شد. زنان و مردانی كه نه تهديد نه زندان هيچ تأثیری بر آنها نداشت چرا كه پرچم قدرتمند آزاديخواهی و برابری طلبی و سكولاریسم و انقلاب زنانه را بدست گرفته بودند.

در طول يكسال گذشته زنان، جسورتر، راديكال تر، مبارزتر، سياسی تر، سرنگونی طلب تر، چپ تر و انقلابی تر شده اند و اين را گسترش دامنه مبارزه راديكال و علنی عليه حجاب اجباری در ميادين و خيابانها و دانشگاهها، مبارزه عليه تفكيك جنسیتی در جامعه از جمله دانشگاهها و استاديوهم ها، حضور فعالانه زنان در اعتراضات عليه فقر و اختلاف طبقاتی و سر كوب، و نيز در اعتصاب كارگران هفت تپه و تظاهرات كارگران فولاد اهواز اثبات ميكند. اين یکی از دستاوردهای مهم و تاريخ ساز جنبش نوين رهایی زن و انقلاب زنانه در ايران در طول يكسال گذشته است.

امروز ميليونها زن در ايران نماد انقلاب زنانه هستند، كه عزم خود را برای سرنگونی اين حكومت ضد زن جزم کرده اند. مبارزات زنان ايران قدرتمندانه تر ادامه دارد، زنان و جامعه كه همچون گذشته مقابل سر كوب های جمهوری اسلامی سر تسليم پايين نياورد، از اين به بعد هم نخواهد آورد و به مبارزه وسيعتر و عميقتری عليه قوانين و حكومت اسلامی در بستر يك جدال طبقاتی خواهند پرداخت؛ دور نيست روزی كه بدست زنان ايران جمهوری اسلامی از صحنه روزگار حذف شود. اين يك حقيقت انكارناپذير است كه جنبش نوين رهایی زن يك ركن اساسی سرنگونی جمهوری اسلامی است.

لذا انقلاب زنانه همه زنان آزاديخواه را به مبارزه عليه جمهوری اسلامی را بايد با تمام قوا، در شهرها و دانشگاههای سراسر كشور در قالب تظاهرات سراسری عليه حجاب اجباری فرا ميخواند بايد ما در بخشهای مختلف جامعه وئ در شهر ها و دانشگاه ها شاهد سازماندهی بيحجابی فراگير و جمعی باشيم و مبارزه زنان عليه وضعيت موجود و عليه قوانين و فرهنگ مذهبی حاكم و عليه جمهوری اسلامی و حجاب اجباری را قدرتمندانه پيش ببريم..

پيش بسوی تظاهرات سراسری عليه حجاب اجباری  
پيش بسوی سرنگونی جمهوری اسلامی

انقلاب زنانه

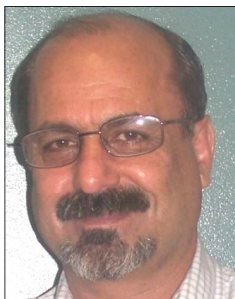
۴ دی ۱۳۹۷

۲۵ دسامبر ۲۰۱۸

## درسهای نیشکر هفت تپه برای کارگران کشت و صنعت مغان!

گفتگو با محسن ابراهیمی

دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران



**خلیل کیوان:** کارگران مجتمع کشت و صنعت مغان از سوم دیماه علیه خصوصی سازی این واحد تولیدی دست به اعتراض زده اند. در هفت تپه هم شاهد بودیم که کارگران نیشکر اعتراض گسترده ای علیه خصوصی سازی داشتند و کماکان بر این خواست خود پافشاری می کنند. به نظر میرسد شباهتهای زیادی بین این دو واحد تولیدی وجود دارد. نظر شما در این مورد چیست؟

نام خصوصی سازی "خصولتی سازی" بکنند و محصول کار و خلاقیت و تلاش هزاران کارگر کشت و صنعت مغان را به آقازاده ای واگذار کنند تا به عنوان مالک جدید و تحت حمایت نیروهای امنیتی و انتظامی فقر و فلاکت بیشتری را بر کارگران تحمیل کند؛ تا زمینها و باغات و کارخانجات و وسائل تولید و امکانات و ثروت عظیم این مجموعه را - مثل امکانات نیشکر هفت تپه - بالا بکشد و به منبع پول و

و هزاران راس دام، کارخانه قند و غیره است که زندگی تعداد زیادی کارگر و خانواده شان در پارس آباد و منطقه مغان مستقیماً به وضعیت این مجموعه وابسته است. علاوه بر این، زندگی اقتصادی کسبه شهر و بازار و اقشار دیگر مردم شهر و منطقه متأثر از وضعیت این شرکت است. در همین دوره ای که دولت مالک این شرکت بوده است، بیشترین تعداد از ۱۵۰۰۰ کارگر این شرکت به صف

عملیات مافیایی - همانطور که در کشت و صنعت هفت تپه و سایر خصوصی سازیها عملی کرده است - به آقازاده ها واگذار کند. اما به دلایل زیادی از جمله ترس از خطرات امنیتی که میتوانست بدنبال داشته باشد تا کنون نتوانسته بود این هدف را عملی کند.

سازمان خصوصی سازی در سال ۹۵، نرخ معادل ۲۷۰۰ میلیارد تومان برای فروش کشت و صنعت مغان تعیین کرده بود. در مرداد همین امسال یکبارگی کارگران و مردم منطقه خبردار شدند که شرکت "توسعه بازار سرمایه تهران"، زیر مجموعه فروشگاههای زنجیره ای رفاه "برنده مزایده" شده است و قرار است به قیمت ۱۷۰۰ میلیارد تومان (یک میلیارد تومان کمتر از قیمت دو سال پیش) این شرکت،

آش آنقدر شور بود که حتی خود نهادها و مقامهای حکومتی با دیدن ناراضیتهای فوری مردم نگران عواقب امنیتی شدند و با مشاهده سطح بالای ناراضیتهای کارگران و مردم به جان هم افتادند و "اهلیت" "برنده" زیر سؤال رفت و بالاخره جرئت نکردند معامله را به سرانجام برسانند و عقب نشستند. البته علاوه بر ترس از خطرات امنیتی (یعنی اعتراضات کارگران و مردم)، منافع باندهای درون حکومتی هم در سرنگرفتن معامله تأثیر داشت.

شش ماه بعد از این ماجرا با این تصور که آن خطر رفع شده است، همین هفته مجدداً اعلام شد که دوباره شرکت به "مزایده" گذاشته شده است و این بار سرمایه داری به نام یونس ژائله "برنده" شده است.



**محسن ابراهیمی:** حکومت اسلامی همان بلایی را میخواهد سر کشت و صنعت مغان بیاورد که قبلاً بر سر کشت و صنعت هفت تپه آورده است. به این اعتبار اعتراضات کشت و صنعت هفت تپه حتما درسهای زیادی برای کارگران کشت و صنعت مغان دارد. مثل کشت و صنعت هفت تپه، اینجا هم میخواهند به

ثروت شخصی تبدیل کند؛ تا به عنوان "کار آفرین خصوصی" محصول کار و تلاش سالیان دراز هزاران کارگر منطقه را به منبعی برای انباشت ثروت شخصی تبدیل کند. مثل کشت و صنعت هفت تپه، کشت و صنعت مغان هم یک مجموعه عظیم صنعتی است که شامل ۶۳۰۰۰ هکتار زمین، باغات میوه، دامپروری

میلونها بیکار پیوسته اند و شیخ فقر مطلق و بیخانمانی کامل زندگی اکثریتشان را تهدید میکند. قرار است با خصوصی سازی بقیه ماموریت به فقر و فلاکت کشاندن کارگران به نفع آقازاده ها تکمیل شود. مدتهاست که سازمان خصوصی سازی میخواهد کشت و صنعت مغان را به عنوان یک شرکت زیان ده در یک

واگذار شود. قیمت به حراج گذاشتن این ثروت در میان مردم به جوك تبدیل شده بود و میگفتند حتی اگر همه امکانات و کارخانه های و وسایل شرکت کنار گذاشته شود و فقط زمین شرکت در نظر گرفته شود، هر متر مربع زمین به قیمت ۲۸۰۰ تومان یعنی به قیمت کمتر از دو بسته پفک نمکی حراج شده است!

یونس ژائله کیست؟ او یک میلیاردار صاحب کارخانه بزرگ شیرین عسل است و در حال حاضر ۱۵۰۰۰ کارگر را استثمار میکند. ایشان در همین کارخانه پرونده سرکوب کارگران با توسل به یگانهای ضدشورش در سال ۹۵ را دارد. کارگرانی که به دستمزدهای صفحه ۴

از صفحه ۳ **درسهای نیشکر هفت تپه ...**

پایین و شرایط سخت کار اعتراض داشتند. قرار است ایشان با همان قیمت ۱۷۰۰ میلیارد تومان (یعنی ۱۰۰۰ میلیارد تومان کمتر از قیمت سال ۹۵) صاحب ثروت و کار و زندگی هزاران کارگر کشت و صنعت مغان شود و این قیمت را در اقساط شش ماهه در طول نه سال پرداخت کند و برای قسط اول هم دو سال وقت داده اند که مبادا فشار مالی به این میلیارد در تحمیل شود!

**خلیل کیوان:** این اتفاق چه تاثیری بر زندگی کارگران و مردم منطقه دارد؟ واکنش کارگران و مردم منطقه به این خصوصی سازی تاکنون چه بوده است؟

**محسن ابراهیمی:** همچنانکه گفتیم در سالهای گذشته تعداد زیادی در این مجموعه مشغول کار بودند که به خاطر اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی اکثریتشان به خیابانها پرتاب شده اند و در شرایط بسیار وخیمی زندگی میکنند. واگذاری اخیر زندگی بقیه را هم، که همین الان مشغولند، مستقیماً در خطر قرار داده است. سرنوشت این کارگران به دست يك میلیارد در سپرده شده است که معلوم نیست برای پاره کردن سود چه خوابی در سر دارد. می خواهد تحت نام "تعدیل نیروی کار" و سودآور کردن شرکت تعداد بیشتری را بیکار کند؟ می خواهد برای سود بیشتر شرایط سختتر و دستمزد کمتر و فشار کار بیشتری بر کارگران تحمیل کند؟ می خواهد مثل اغلب خصولتی سازنها به نام شرکت پولهای نجومی از منابع بانکی بالا بکشد و ونهایتاً زمین و امکانات شرکت را به حراج بگذارد؟ و همه اینها مستقیماً شرایط اقتصادی و معیشت کارگران و خانواده هایشان را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

و بعداً در مقابل ساختمان مرکزی شرکت تجمع اعتراضی را شروع کردند. البته این اولین بار نیست که کارگران این مجموعه اعتصاب و اعتراض میکنند. قبلاً هم در سالهای ۹۵ و ۹۶ به خاطر حقوقهای معوقه و مساله خصوصی سازی اعتراض داشتند. جالب است که همین سطح اعتراض هم باندهای حکومتی را آنگذر نگران کرده است که دارند در باره خطرات جدی امنیتی به هم هشدار میدهند.

**خلیل کیوان:** اوضاع سیاسی کشور به گونه ای است که هر حرکت اعتراضی کارگران فوراً سیاسی میشود و پای مقامات حکومت را به میان میکشد. مواردی مثل هفت تپه و فولاد اهواز از متاخرترین آنها هستند. برخورد مدیریت، مقامات حکومتی و نیروهای سرکوب در رابطه با خصوصی سازی کشت و صنعت مغان و ناراضیاتی و اعتراض کارگران چه بوده است؟ آیا همه آنها در مقابل کارگران قرار گرفته اند یا شکافی در بین آنها وجود دارد؟

**محسن ابراهیمی:** دو دسته اختلاف میان مقامات حکومت فوراً بروز پیدا کرد.

يك دسته اختلافات مربوط به این است که از این خوان یغما چه کسی و چه باندی چه سهمی برده است یا برعکس چه باندی دستش کوتاه مانده است. این اختلاف و شکاف جلوه ای از باندبازیهایی معمول در میان حکومتیان بر سر چپاول ثروت جامعه تحت عنوان خصوصی سازی است که در اغلب خصوصی سازیها وجود دارند.

همین الان استاندار و فرماندار و دادستان و نماینده ولی فقیه و امام جمعه و رئیس سازمان خصوصی سازی و وکیل مجلس و کمیسیون اصل نود و غیره به جان هم افتاده اند و پرونده های همدیگر را رو میکنند که مثلاً چرا در

واگذاری مرداد ماه با همان قیمت ۱۷۰۰ میلیارد تومانی مخالفت میکردند و "اهلیت" خریدار زیر سؤال میبردند ولی امروز ۱۸۰ درجه تغییر موضع داده اند و با همان قیمت پشت سرمایه دار شیرین عسل رفته اند؟ چرا دادستان اردبیل "اهلیت" خریدار قبلی را زیر سؤال برد و مانع فروش به فروشگاههای زنجیره ای رفاه شد ولی مدافع "اهلیت" صاحب کارخانه شیرین عسل شد؟

بخشی از این مقامات مثل اکبر اعلمی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی سابقه مالک جدید را زیر سؤال برده است که "بخش قابل توجهی از ثروت نجومی اش از محل رانت و ویژه خوری و زد و بند با برخی مسئولان و نمایندگان سابق مجلس به دست آمده و در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هم دارای پرونده می باشد."

هر روز و هر ساعت که میگذرد پرونده های جدیدی از همدیگر رو میکنند که نشان میدهد این بار هم دست چپاولگر باندهای درون حکومتی در کار است که تحت نام خصوصی سازی سهم تقسیم میکنند.

دسته دیگر اختلافات مربوط به نگرانیهای امنیتی از اعتراضات است.

هر بار مساله خصوصی سازی کشت و صنعت مغان پیش میاید اولین مشکلی که ذهن همه مقامات حکومتی را مشغول میکند عواقب امنیتی این چنین اقدامی است. هم در واگذاری مرداد ماه و هم این بار همه مقامات، مخصوصاً آنهايي که در این معامله دست را به رقبای دیگر باخته اند منطماً از این صحبت میکنند که در این گذاری آثار و عواقب امنیتی در نظر گرفته نشده است.

منظور از عواقب امنیتی دقیقاً همان اتفاقاتی است که در کشت و صنعت هفت تپه رخ

داد. واقعیت این است که سران حکومت هنوز در کابوس اعتراضات وسیع کارگران هفت تپه در شوش و فولاد اهواز بسر میبرند. خوب میدانند که به خاطر شباهتهای بسیار زیاد میان دو کشت و صنعت امکان تبدیل شدن پارس آباد به يك شوش دیگر بسیار بالاست و کارگران کشت و صنعت مغان میتوانند از تجربه گرانیهای کارگران کشت و صنعت هفت تپه بیاموزند.

**خلیل کیوان:** کشت و صنعت مغان یکی از مراکز صنعتی و کارگری است که قدمت آن به قریب ۵۰ سال می رسد. اما الان رسانه ها اعتراضات کارگران این مجتمع را به عشایر منطقه منتسب میکنند. هدف آنها از این نوع تبلیغات چیست؟

**محسن ابراهیمی:** بله، در رسانه های مختلف منطماً از تجمع و اعتراض "عشایر" صحبت میکنند. صحبت عشایر غیور شاهسون صحبت میکنند که قرنهای برابر بیگانگان ایستاده اند و خونها داده اند! نماینده ولی فقیه در استان بارها در خطبه های نماز جمعه حتی از اسناد مالکیت عشایر صحبت کرد و در مورد قضاوت و عدالت اسلامی وراجی کرد که باید "مشکل معارضین حل گردد و هرکس سندی دارد اولی به زمین است ولو سند قدیمی باشد و اگر غیر از این باشد، واگذاری شرعاً درست نیست."! بر طبق قضاوت این آخوند شارلاتان کارگران باید سند و قبالة از نیم قرن پیش رو کنند تا مثلاً معلوم شود حقوقی در کشت و صنعت مغان دارند و در غیر اینصورت میشود محصول کار و زندگی شان را چوب حراج زد! اما واقعیت چیست و این تصویر سازی در خدمت چیست؟



از صفحه ۴ **درسهای نیشکر هفت تپه ...**

بخش مهمی از آن ۶۳۰۰۰ هکتار زمین که امروز فعالیتهای کشت و صنعت مغان در آن انجام میگیرد، ۵۰ سال پیش زمینهایی بودند که کشاورزان و دامداران و عشایر منطقه به عنوان قشلاق و محل چرای دامهایشان و تامین معیشتشان استفاده میکردند. این اراضی بدست دولت و بزور سرنیزه ژاندامری آن زمان از این بخش جامعه گرفته شد و به اراضی دولتی و بعدا محل راه انداختن کشت و صنعت مغان تبدیل شد.

اما از آن زمان ۵۰ سال گذشته است و این مردمی که امام جمعه هنوز دوست دارد عشایر خطاب کند بخش بزرگی از آنها مدتهاست کارگر شده اند و تعداد زیادشان کارگر خود همین کشت و صنعت بوده اند که الان بیکار و بیخانمان هستند و در صف لشکر بیکاران منطقه در شرایط بسیار اسفناکی بسر میبرند، و البته تعداد زیادی هم هنوز کارگر همین شرکت هستند.

اینجا ما با کشمکش یک قشر متعلق به نظام عقب مانده و پیشاسرمایه داری با نظام پیشرفته تر سرمایه داری در معنای کلاسیک آن مواجه نیستیم. مساله بر سر اختلاف و کشمکش میان عشایر و روسای عشایر و قبایل در مقابل نمایندگان سرمایه داری نیست. در خود منطقه مغان مثل خیلی مناطق ایران خیلی وقت است که مناسبات عوض شده است و دیگر مناسبات عشیره ای و قبیله ای وجود ندارد. برعکس مناسبات سرمایه داری با حضور دو طبقه سرمایه دار و کارگر و کشمکش این دو طبقه در مقابل هم وجود دارد.

میخواهم بگویم که این مردمی که مقامات عشایر خطاب میکنند، انسانهای زحمتکش و شریفی هستند که چند بار توسط دو حکومت

قربانی شده اند. یکبار در دهه آخر حکومت سلطنتی و با استقرار سرمایه داری از مراتع و زمینها و منابع کار و معیشتشان محروم شدند. بار دیگر در اثر سیاستهای ضد کارگری حکومت اسلامی و اقتصاد ورشکسته اش از همین منبع جدید کار و معیشتشان محروم شدند و به خیل بیکاران پیوستند، و بالاخره امروز برای بار سوم با خصوصی سازی (اسم رمز انتقال ثروت و منابع از دولت به آفازاده ها یا به قول مشهور خصولتی سازی) وضع زندگی شان حتی بدتر از گذشته خواهد شد. و به این اعتبار اینها کارگرانی هستند که سالها در مناسبات سرمایه داری منبع ارزش افزایی کارفرمایان کشت و صنعت بوده اند و به این اعتبار تمام امکانات و منابع کشت و صنعت به آنها تعلق دارند چه بتوانند قباله ای رو کنند یا نه.

اما چرا حکومتیان تلاش میکنند عشیره عشیره کنند و این زحمتشان را به نام واقعیشان که کارگران هستند مورد خطاب قرار نمیدهند؟ به یک دلیل روشن. میخواهند پرده ابهام روی خصلت و مضمون کارگری این اعتراض بکشند. میخواهند دقیقا شباهتهای میان اعتراض در کشت و صنعت مغان و اعتراض در کشت و صنعت هفت تپه و سایر اعتراضات کارگری را مخدوش کنند که برای حکومت بسیار خطرناک است.

ضمنا، معمولا وقتی از عشایر صحبت میشود، فوراً روسای قبایل و عشایر و مناسبات عشیره ای قدیمی تداعی میشود که در تاریخ سیاسی معمولا نقش ارتجاعی داشته اند و به این ترتیب شاید حقه بازان حکومتی میخواهند با عشیره عشیره گفتنها حمایت و همبستگی جامعه را تضعیف کنند.

جالب است که شباهت قابل توجهی میان توطئه مقامات حکومتی و امنیتی در جریان اعتصابات فولاد در اهواز و هفت تپه در شوش و امروز در پارس آباد قابل مشاهده است. در اهواز و شوش هم خیلی تلاش کردند دست به انبان مناسبات عشیرتی منسوخ شده ببرند و مثلا میان کارگران فولاد اهواز و همچنین نیشکر هفت تپه با توسل به هویتهای قلابی عشیره ای لر و بختیاری و عرب و غیره اختلاف بیاندازند، مبارزه متحد طبقاتی کارگران را مخدوش کنند و به آن لطمه بزنند که با هشیاری رهبران آگاهی مثل اسماعیل بخشی و کارگران آگاه توطئه هایشان خنثی و بی اثر شد.

کارگران آگاه کشت و صنعت مغان و مردم آگاه پارس آباد و منطقه مغان هم این توطئه ها را میتوانند و باید خنثی کنند. کارگران کشت و صنعت مغان هم برای پیش بردن یک مبارزه پیروزمند در مقابل کارفرماها و حکومتشان از پیش باید در مقابل هر نوع توطئه ای هشیار باشند.

**خلیل کیوان** : در این میان عکس العمل ناسیونالیست های ترک قابل توجه است. آنها از اینکه این مجتمع به یک سرمایه دار بقول خودشان بومی واگذار شده است خوشحالند و به این ترتیب در مقابل کارگران قرار گرفته اند. در این مورد چه می گوید؟

**محسن ابراهیمی**: این هم یک نمونه مشخص و روشن از این حقیقت بارها به اثبات رسیده است که ناسیونالیستهای ترک ( مثل همه ناسیونالیستهای دیگر) نه تنها کوچکترین اهمیتی به معیشت و سعادت کارگران نمیدهند بلکه به معنای واقعی کلمه و به طور صریح ضد کارگر هستند. این هم یک نمونه دیگر است که نشان میدهد این فرقه ها

براستی در پستی و رذالت و ضدیتشان با سعادت و رفاه اکثریت مردم این جامعه یعنی کارگران هیچ تفاوتی با حکومت اسلامی سرمایه داران ندارند. یک نمونه دیگر است که نشان میدهد به زعم این فرقه های مهجور اگر حیات و معیشت کارگر توسط یک سرمایه دار بومی چپاول شود، اینها به آرزوهایشان رسیده اند.

جالب است بدانید که واگذاری کشت و صنعت مغان به میلیاردر تبریزی به نام یونس ژائله، صاحب کارخانه بزرگ "شیرین عسل"، باندهایی از حکومت اسلامی و ناسیونالیستهای ترک را به یک اندازه خوشحال کرده است. هر دو "اهلیت" این میلیاردر را تایید کرده اند! آیا همین به اندازه کافی نشان نمیدهد که اینها در ضدیتشان با زندگی طبقه کارگر و خدمتگزاری به طبقه سرمایه دار در یک صفحه قرار دارند؟

یکی از کارگرانی که قبلا میخواستند در کارخانه "شیرین عسل" استخدام شود گزارشی به کمیته ادزبایجان فرستاده است که بسیار گویاست. گوشه ای از این گزارش را باهم بخوانیم:

"این یونس که صنعت دشت مغان را خریده، کارخانه شیرین عسل واقع در شهرک سلیمی، طرف آذر شهر را دارد. یک خاطره از کارخانه شیرین عسل دارم اینجا لازمه برایتان ذکر کنم.

حدود بیست سال پیش حسابی بیکار بودم. از یکی از آشنایان شنیدم شیرین عسل با دیپلم کارگر استخدام می کنه، خلاصه رفتم کارخانه، اول درب، یک برگه ورودی می داد. بعد به پذیرش رفتم. خیلی های دیگر بودند که برای کار آمده بودند.

در پذیرش، جلو من فرم استخدام گذاشتند. این فرم برای من خیلی جالب بود. فرم با نام و نام خانوادگی و آدرس محل اقامت و میزان تحصیلات و بعد سوالهای از قبیل چه کتاب

های خواندید، چه مقالاتی نوشتید، آیا مقاله چاپ شده داشتید، اسم کتاب هایی را که خواندید نام ببرید، تا حالا زندان رفتید، سابقه سیاسی دارید و از این گونه سوالها.

به مسئول پذیرش گفتم شما کارگر استخدام می کنید یا نویسنده؟ در جواب گفت این روال ماست. خلاصه از پذیرش رد شدیم چون زیادی حرف زده بودیم. جالبه بدانید این کارخانه بازداشتگاه داره و ...

با کارگر مثل برده برخورد میشد. یادم می آید وقتی یکی از سرکارگرهای خط تولید برای گزینش نهایی آمده بود، برخوردش مثل این بود که بیل کلینتون به کاخ سفید وارد میشد. اصلا برخورد بسیارزنده بود. حتی من اون نیم ساعت را به سختی تحمل کردم."

**خلیل کیوان**: کارگران کشت و صنعت هفت تپه اعتراضات

متحد، قدرتمند، پر سر و صدا و موثری را پشت سر گذاشتند و تجربیات ارزنده ای برای کارگران نه فقط این واحد، بلکه طبقه کارگر ایران ببار آوردند. هفت تپه و فولاد اهواز از نظر سازماندهی و اتکا به مجمع عمومی و شورا، از نظر بسیج توده ای و شرکت خانواده های کارگری و زنان در اعتراضات، بسیج اهالی شهر و حتی کسب حمایت بازاریان از خواسته های خود، کارهای شگرفی صورت دادند و حمایت گسترده ای در ایران و خارج کشور را بخود جلب کردند. کارگران کشت و صنعت مغان چگونه می توانند تجارب هفت تپه را بکار ببرند و مبارزه خود را به پیش ببرند؟ هفت تپه و فولاد چه درسهایی برای کشت و صنعت مغان دارند؟

**محسن ابراهیمی**: یک شانس کارگران کشت و صنعت مغان این است که قبلا همکاران و هم

از صفحه ۵ **درسهای نیشکر هفت تپه ...**

طبقه ایشان در کشت و صنعت هفت تپه تجربیات ارزنده ای در مقابله با تعرض حکومت اسلامی به کار و معیشتان داشتند.

امروز دیگر همه میدانند که کارگران کشت و صنعت هفت تپه یکی از باشکوهترین مبارزات کارگری در تاریخ مبارزات کارگری ایران و حتی منطقه را پیش بردند. مبارزه این کارگران همبستگی میلیونها انسان در ایران و جهان را به خود جلب کرد. کارگران هفت تپه و رهبرانشان در قلب میلیونها انسان در ایران و منطقه و جهان جای گرفتند. مردم هرگز سیمای این انسانهای زحمتکش و شریف و آگاه و مبارز و رهبران جسور و کاردانشان را فراموش نخواهند کرد. انسانهایی که با چنگ و دندان برای نجات نان و معیشت و حرمتشان در مقابل طبقه سرمایه دار و یک سازمان مافیایی به نام حکومت اسلامی مقاومت کردند و نهایتاً مجبورشان کردند که بخشی از دستمزدهای به یغما رفته شان را پس بدهند. عقب نشینی کارگران هفت تپه در مقابل مجموعه ای از دسیسه ها و توطئه ها و بازداشتها و سرکوب حکومتی فقط یک عقب نشینی موقت است. این کارگران و رهبرانشان این بار با اندوخته ای از تجربیات ارزنده باز خواهند گشت. در این تردیدی نیست.

کارگران کشت و صنعت هفت تپه یک دنیا تجربه و رهنمود و شعار ارزشمند دارند که کارگران کشت و صنعت مغان میتوانند بیاموزند. شباهتهای بسیار زیاد کار و زندگی کارگرانی این کشت و صنعت آموختن از این تجربه را حتی ارزشمندتر میکند.

اینجا میخواهم به مهمترین این تجربیات و رهنمودها اشاره کنم که در سؤال شما هم به

آنها اشاره شده است:

جلب حمایت مردم شهر:

اولین چیزی که در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه برجسته بود و باید آموخت این است که با کاردانی حمایت وسیع جلب کردند.

کارگران نیشکر هفت تپه توانستند در مقیاسی هزاران نفره، همراه خانواده هایشان، همراه مردم شهر، همراه معلمان و دانشجویان و کسبه و سایر مردم شهر در خیابانهای شوش و در مقابل استانداری مشغول گره کرده و خواسته های برحقشان را اعلام کنند.

اعتراضشان را در چهاردیواری کارخانه نگه نداشتند. به شهر و مقابل نهادهای حکومتی مثل فرمانداری و استانداری کشاندند. خانواده هایشان را دخیل کردند و در نتیجه اعتراضشان قدرتمندتر شد.

فراتر از خانواده، معلمان، دانشجویان، کسبه و سایر مردم شهر را به حمایت فراخواندند و حمایت گرفتند و در نتیجه توانستند یک شهر را به تعطیلی بکشاندند و همبستگی دانشجویان و معلمان و بخشهای مختلف مردم در سراسر کشور را هم جلب کردند.

همه اینها باعث شد مبارزه این کارگران ابعاد اجتماعی بزرگی به خود بگیرد و بیشتر رسانه ای شود و انعکاس بیشتری پیدا کند و در نتیجه امکان سرکوب حکومت کمتر و کمتر شد.

سرمایه داران و حکومتش این بار نه فقط با کارگران بلکه با یک شهر روبرو شدند. کارگران نشان دادند که آنها وسیع اند و قدرتمند و حکومت تنها است و ضعیف.

مجمع عمومی، شورای نمایندگان و اداره شورایی:

کارگران نیشکر هفت تپه توانستند یک اعتصاب و اعتراض طولانی را با اتحاد تمام پیش ببرند. اعتراضشان آنچنان متحد و قدرتمند پیش

رفت که همه مقامات حکومتی محلی و سراسری از نیروهای امنیتی گرفته تا امامان جمعه و بسیج و نیروی انتظامی را به ترس انداخت.

رمز پیش بردن چنین اعتراض آدامه دار و قدرتمند چه بود؟ این بود که رهبران و فعالین و پیشروان اعتراضشان به نیروی همه کارگران حساب کردند. این بود که اعتصابشان با حضور و دخالت فعال توده کارگران در تصمیم گیریها پیش رفت.

این کار چه طور انجام شد؟ از طریق مجمع عمومی کارگران و شورای نمایندگانشان که توسط مجمع عمومی انتخاب شدند، نمایندگانی که پیشنهاداتشان را در مجمع عمومی کارگران به اطلاع کارگران رساندند، مذاکراتشان را به مجمع عمومی کارگران گزارش دادند، به نظر و دخالت کارگران اهمیت دادند و حضور و حمایت کل کارگران را پشت تصمیمات داشتند.

مجمع عمومی و شورای منتخب آن کلید اتحاد طبقاتی کارگران و حضور توده های وسیع در اعتراضها بود. در کشت و صنعت مغان هم باید از همان اول مجمع عمومی تشکیل داد، شورای نمایندگان را انتخاب کرد تا اعتصاب و اعتراضاتشان را رهبری کند.

اعتراضی که در مقابل چشمان مردم ایران و جهان پیش رفت:

یکی از نقطه قوتهای حیاتی اعتراض کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه این بود که توانستند این مبارزه را در مقابل چشمان میلیونها کارگر و مردم محروم در ایران و جهان پیش ببرند. این حیاتی است مخصوصاً به این خاطر که رسانه های رسمی جمهوری اسلامی نه تنها خبری از این اعتراضات پخش نمیکنند بلکه وقتی هم خبری پخش میکنند تمام دروغ و وارونه سازی است. کارگران نیشکر هفت تپه از

لحظات اعتصاب و اعتراض خیابانیان، از سخنرانیهای رهبرانشان، از سخنرانی رهبر محبوبشان اسماعیل بخشی، از حضور و دخالت فعال هزاران کارگر در مجمع عمومی و اعتصاب و تظاهرات خیابانی و تجمعات قدرتمند در مقابل فرمانداری و استانداری، از شعارهایی که در خیابانهای شوش فریاد زدند، از مقاومت و مقابله جسورانه شان در مقابل نیروهای سرکوب ویدیو گرفتند و فوراً در اختیار تعداد زیادی از انسانها در ایران و جهان قرار دادند که نگران سرنوشت مبارزه این کارگران بودند.

نتیجه این این کاردانی و ابتکار چه بود؟

نتیجه اش این بود که به حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی اجازه ندادند که بتواند این مبارزه شورانگیز را در سکوت رسانه ای ایران و جهان سرکوب کند و خاموش کند و کسی هم متوجه نشود که در یک گوشه دنیا هزاران کارگر توانستند در مقابل یک از ضدکارگرترین حکومتهای سرمایه داری قرن بیست و بیست و یک مبارزه ای بسیار توانمند پیش ببرند.

نتیجه اش این شد که سیلی از همبستگی و حمایت و اظهار محبت از سراسر جهان به سوی کارگران مبارز هفت تپه سرازیر شد. در کنار دهها نامه همبستگی با کارگران هفته تپه و اعتراض به سران حکومت، فقط در یک مورد ۸۲ اتحادیه کارگری در جهان به نمایندگی از میلیونها کارگر در جهان به خامنه ای این پدروخوانده مافیایی سرمایه داری در ایران نامه اعتراضی نوشتند و خواهان پاسخ دادن به مطالبات بحق کارگران و آزادی دستگیر شدگان کارگری شدند.

میدانیم که در حالیکه نیروهای امنیتی دست به سرکوب کارگران میزدند و رهبرانشان را دستگیر میکردند، امام جمعه ها و

بسیجیها و نمایندگان مجلس در هماهنگی با همان نیروهای امنیتی توطئه میکردند که در صف کارگران تفرقه بیندازند. اینکه کارگران توانستند بارها و بارها این توطئه ها را خنثی کنند و ماهها با اتحاد کامل مبارزه شان را پیش ببرند و یک شهر و یک منطقه و بعداً ایران و جهان را پشت سر خود داشته باشند به این خاطر بود که شورای رهبری اعتراضات داشتند. مجمع عمومی داشتند. همفکری و هممنظری و هماهنگی منظم داشتند. رهبری مورد اعتماد کارگران و کارگران مورد اعتماد رهبری داشتند. رهبری ای داشتند که توطئه های کارفرما و نهادهای حکومتی را منظم به اطلاع کارگران میرساندند و با یک آگاهی جمعی و تصمیم جمعی با این توطئه ها مقابله میکردند.

خواست اداره شورایی هفت تپه:  
قبلاً گفتیم که شرایط کار و فعالیت کشت و صنعت هفت تپه و کشت و صنعت مغان بسیار شبیه هستند. هر دو مربوط به زندگی هزاران کارگر و خانواده هایشان هستند. هر دو زندگی جمعیت وسیعی در شهر و منطقه را تحت تاثیر قرار میدهند. در اتفاقات هر دو زندگی اقتصادی و معیشت جمعیت وسیعی بازیچه معادلات و معاملاتی است که در میان مافیای اقتصادی حاکم در ایران در جریان است. به این اعتبار خواستههای کارگران این شرکت و تلاش و مبارزه شان بسیار به هم شبیه هستند.

کارگران هفت تپه میگویند نیشکر هفته تپه، زمینها و وسایل تولید و همه امکاناتش پدران و مادرانشان خلق کرده اند و همه این امکانات متعلق به خودشان است. کارگران هفت تپه میگویند محصول سالهای دراز کار و زحمت مادران و

از صفحه ۶ **درسهای نیشکر هفت تپه ...**

پدرانشان را امروز يك مشت سرمایه دار اسلامی مفتخور به حراج گذاشته اند و تحت نام خصوصی سازی در اختیار آقازاده های اسلامی سرمایه دار مثل اسد بیگی و رستمی گذاشته اند تا این مفتخورها به عنوان مالك خصوصی جدید بر کرده کارگران ثروت پارو کنند. کارگران هفته تپه میگویند آقازاده های رانت خوار اسلامی لیاقت اداره این مجتمع بزرگ را ندارند و باید کنار بروند تا خود کارگران شرکت را اداره کنند.

اسماعیل بخشی، نماینده کارگران هفته تپه از طرف این کارگران اعلام کرد که ما خودمان هفت تپه را به صورت شورایی اداره میکنیم. ما خودمان تولید و توزیع این مجتمع را سازمان میدهیم. گفت که کشت و صنعت هفت تپه باید در اختیار کارگزارانشان قرار بگیرد که با کار و زحمتشان کل این مجموعه را زنده نگه داشته اند. گفت که حتی اگر این مجموعه به مالکیت دولت برگردد باید تحت نظارت و کنترل کارگران و اداره شورایی کارگران باشد.

کارگران کشت و صنعت مغان هم صاحبان واقعی و بحق تمام امکانات این شرکت هستند و باید از طریق شورایشان به دولت و کارفرما اعلام کنند که کنار بروید و مجتمع را خودمان اداره میکنیم. حتی اگر کشت و صنعت در دست دولت بماند هنوز اداره اش باید تحت کنترل کارگران و شورایشان باشد.

**مبارزه برای آزادی دستگیر شدگان**

يك درس مهم مبارزه کارگران کشت و صنعت هفت تپه این است که کارگران هرگز رهبرانشان را تنها نگذاشتند. از خواست آزادی کامل رهبریان و فعالین دستگیر شده کوتاه

نیامدند. هزاران نفر در شهر راهپیمایی کردند، در مقابل استانداری تجمع کردند و شعار دادند "کارگر زندانی آزاد باید گردد." و بالاخره توانستند عزیزانشان را از چنگ حکومت سرمایه داران نجات دهند.

**خلیل کیوان:** کارگران هفته تپه شعاریهایی را در اعتصابات و اعتراضاتشان فریاد زدند. شاخصترین شعارها چه بودند؟ آیا این شعارها میتوانند شعارهای کارگران کشت و صنعت مغان هم باشند؟

**محسن ابراهیمی:** ایران صحنه يك مبارزه مرگ و زندگی میان طبقه سرمایه دار و حکومتش با کارگران و سایر مردم عدالت طلب است.

کشت و صنعت مغان مثل کشت و صنعت هفت تپه توسط يك شبکه سیاسی و اقتصادی مافیایی به ریاست حکومت اسلامی مورد تعرض قرار گرفته است. این مجموعه دقیقاً مثل کشت و صنعت هفت تپه تقریباً مفت در اختیار يك میلیاردر گذاشته شده است تا به عنوان صاحب کار جدید تعداد زیادی را بیکار کند و شرایط جدید کار برده وار را برای کارگران باقیمانده تحمیل کند.

با این حساب هم شرایط کار و زندگی این دو کشت و صنعت شبیه هم است و هم حکومتی که به معیشت این کارگران تعرض میکند یکی است و به این اعتبار خواسته ها و شعارهایشان هم خیلی شباهت دارند.

این را هم بگویم که همزمان با اعتصاب و اعتراض کارگران هفته تپه، کارگران فولاد اهواز هم اعتصاب و اعتراض بسیار قدرتمندی را پیش بردند و شعاریهایی را فریاد زدند که گویای درد و رنج و خواست و اهداف کارگران کشت و صنعت هفت تپه و کشت و صنعت مغان است.

اجازه بدهید اینجا تعدادی از شعارهای برجسته را که کارگران در اعتراض هفت تپه یا فولاد فریاد زدند مطرح کنیم که بی تردید حرف دل کارگران کشت و صنعت مغان هم هستند.

• این همه بیعدالتی، هرگز ندیده ملت!

• کشور ما دزدخونه است، توی جهان نمونه است!

• فرماندار ننگت باد، شرمت باد!

• درود بر کارگر، مرگ بر ستمگر!

• کارگر بیدار است، از استثمار بیزار است!

• کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد!

• ما کارگران آهنیم، ریشه ظلمو میکنیم.

• دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست!

• نه حاکم نه دولت، نیستند به فکر ملت!

• فولاد، هفت تپه، اتحاد، اتحاد!

• نه تهدید نه زندان دیگر اثر نداره!

• کارگر زندانی آزاد باید گردد!

این شعارها و شعارهای ابتکاری دیگری که خود کارگران کشت و صنعت مغان خلق خواهند کرد کمک میکند که مردم بدانند درد کارگران چیست، اعتراض کارگران علیه چیست، و همچنین کمک میکند کارگران اعتراضشان را متحد و یکپارچه با شعارهای واحد پیش ببرند.

در آخر مایلیم چند نکته در باره کل خصوصی سازی مطرح کنم که به این گفتگو مربوط است.

دولتی یا خصوصی؟ کدام به نفع کارگران است؟ هیچ کدام. اینها دو شکل متفاوت به بردگی کشیدن کارگران و مکیدن شیره جانیشان است. سرمایه دار چه دولتی و چه خصوصی سرمایه دار است. صاحب وسایل تولید است و بخش بسیار کوچکی از محصول کار خود کارگر را به

صورت دستمزد به کارگر برمیگرداند تا کارگر زنده بماند و برای این طبقه ارزش اضافی و سود تولید کند و ثروت و قدرت این طبقه را افزایش دهد. این رکن نظام سرمایه داری است چه دولتی، چه خصوصی و چه ترکیبی از این دو.

در این صورت سؤال این است: چرا کارگران در اعتراض به خصوصی سازی دست به اعتصاب و اعتراض میزنند؟ چرا کارگران هفت تپه و فولاد ماهها در خیابانهای شوش و اهواز اعتراض میکنند؟ چرا حتی در این اعتراضات در کنار سایر خواستههای برحقشان علیه خصوصی سازی هم شعار میدهند؟

پاسخ روشن است: کارگران بخوبی آگاهند که ترفند خصوصی سازی پوششی برای تعرض بیشتر همان دولت و طبقه سرمایه دار مورد حمایتش به حقوق کارگران است. خصوصی سازی اسم رمز حمله به همان حداقل حقوقی است که کارگران طی سالیان دراز به دولت تحمیل کرده اند. خصوصی سازی شیوه حکومت اسلامی و کل طبقه سرمایه دار برای تحمیل فقر و بیحقوقی بیشتر به کارگران است.

مساله کارگران حتی وقتی علیه خصوصی سازی شعار میدهند این نیست که گویا دولت کارفرمای خوب و منصفی است و بهتر است بماند. مساله شان این است که نمیخواهند اجازه دهند به نام انتقال مالکیت و مدیریت از دولت به بخش خصوصی، کل طبقه سرمایه دار و دولتش نقشه های پلیدشان برای فشار بیشتر و بیحقوق کردن بیشتر کارگران را پیش ببرند.

خواست کارگران هفت تپه برای اداره شورایی کارخانه چه خصوصی و چه دولتی دقیقاً به خاطر آگاهی کارگران از این حقیقت است. اداره شورایی کارخانه قدم اول راهی است که فرجامش باید فراتر رفتن از کل

سیستم بردگی مزدی و اداره شورایی کل جامعه توسط کارگران و شهروندان جامعه باشد.

چه خصوصی چه دولتی، کارگران باید دستمزد مناسب، حق بیمه مناسب، بهداشت و درمان و تحصیل و تفریح مناسب، حقوق بیکاری مکفی، حق تشکل، حق اعتصاب و حق تجمع داشته باشند. چه خصوصی و چه دولتی، کارگران باید با اعتصاب و اعتراضشان تا میتوانند بخش بیشتری از محصول کار و خلاقیت خود را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشند و زندگی خود را به رفاه و آسایش و تفریح در خور يك انسان در قرن بیست و يك نزدیکتر کنند.

میگویم نزدیکتر کنند چون روشن است که تضمین نهایی يك زندگی انسانی برای کارگران و همه شهروندان جامعه در خود نظام سرمایه داری، نظامی که بنیادش کار مزدی است ممکن نیست. کارمزدی یعنی بازگرداندن بخش کوچکی از محصول کار و خلاقیت کارگران به خودشان و بالا کشیدن بخش اعظم آن توسط اقلیت سرمایه دار. همان نظامی که در کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و کشت و صنعت مغان وجود دارد چه دولتی باشند و چه خصوصی و چه خصولتی. به این ترتیب بوجود آوردن شرایط زندگی انسانی برای همه شهروندان فقط و فقط با نابودی نظام سرمایه داری، نظامی که اساسش بردگی مزدی اکثریت عظیم جامعه است امکانپذیر است. نظامی که در آن کارگر و سرمایه دار وجود ندارد. به جایش شهروندان برابر و آزاد وجود دارند. اسم این نظام نه دولتی است. نه خصوصی است. نه خصولتی است. اسم این نظام در تاریخ مبارزه برای آزادی و برابری و انسانیت، نظام سوسیالیستی است.

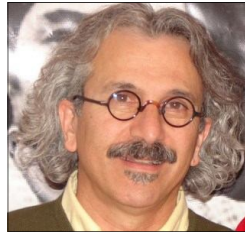
۲۸ دسامبر ۲۰۱۸

۷ دی ۱۳۹۷

## رضا پهلوی نماینده کدام تحول؟

علی جوادی

این متن بر اساس گفتگوی کانال جدید با علی جوادی تنظیم شده است.



**سیما بهاری:** آنطور که رسانه های رسمی و دولتی دوست دارند رضا پهلوی را معرفی کنند، شاهزاده مهمان اندیشکده انستیتوی واشنگتن بود و پرسش های حاضرین جواب داد. اینکه واقعا ایشان چه توان و کالیبر سیاسی ای دارد، برنامه سیاسی اش چیست و رسانه ها چه نقش و توانی بر سر زبان انداختن رضا پهلوی دارند موضوع بحث امروز ما با علی جوادی است. رهبر یا شاهزاده. سؤال اول این است. رضا پهلوی از چه سرمایه ای بهره می گیرد؟

**علی جوادی:** اجازه دهد با نکته ای در مورد لقب ایشان شروع کنم. ایشان در دوران سلطنت پدرش لقبش "شاهزاده" بوده است. لقبی در سیستمی که سرنگون شد. اینکه جریانات حاشیه ای در رویاهای کودکان خود هنوز به فکر ابقای سیستم سلطنتی هستند، القاب و صفتهایی را به کار میبرند که نه تنها دورانشان سپری شده است، بلکه در همان زمان خود نیز تحقیر آمیز و دون شان انسان بود، واقعا مضحک است.

ببینید، چرا "شاهزاده"؟ چرا من و شما و هر انسان آزاده ای باید این صفات و القاب ضد انسانی و ضد برابری طلبانه را بپذیرد و تکرار کند؟ چرا؟ مگر ما دیگران را بر حسب "شغل" پدرشان تعریف میکنیم، آنهم شغلی که با کودتا و سرکوب و دیکتاتوری به جامعه تحمیل شده است؟ از نقطه نظر ما این القاب مانند شاهزاده، آیت الله زاده و دکتر و مهندس و حاجی زاده و غیره تماما نافی برابری و شان و حرمت انسانها هستند.

مساله "رهبری" ایشان سوژه خنده داری است؟ کدام رهبر؟ رهبر کدام بخش از جامعه؟ رهبر

کدام جریان سیاسی؟ ایشان رهبر هیچ چیز و هیچ جریانی نیست. سازمانی ندارد، حزبی ندارد، تشکلی ندارد. قبلا سخنگوی شورای ایرانیان بود. اما استعفا داد. الان چی؟

اما در باره قسمت دیگر سؤالاتان که رضا پهلوی از چه سرمایه ای بهره میگیرد؟ از سرمایه پرورش؟ که سرنگون شد. از سرمایه اینکه فرزند ذکور خانواده و سنتی که بر مبنای خون به این مقام نائل شده است؟ مردم نه رایی داده بودند و نه سلطنت هیچگاه در طول تاریخ بر مبنای رای به جایی رسیده است. سلطنت ودیعه ای الهی بود و شاه سایه خدا در زمین. از قرار "سرمایه" امروزی ایشان از جنایت بی حد و حصری ناشی میشود که رژیم اسلامی در مقایسه با رژیم سلطنتی مرتکب شده است.

واقعیت این است که این تلاشها، تلاشی برای رهبر تراشی در قبال انقلاب و تحولاتی است که جامعه را دگرگون خواهد کرد و پرونده حکومت جنایت و استعمار و ضدیت با زن و حکومت مذهب را خواهد بست. این تلاشها را در مورد خمینی و ضد انقلاب اسلامی هم دیدیم. گویی تاریخ قرار است که تکرار شود. اما اگر بار اول یک تراژدی بود، این بار تنها یک مضحکه سیاسی بیش نخواهد بود. بنظر من جامعه امروز ایران از درایت و دانایی بیشتری برخوردار است که اسیر چنین تلاشهای ارتجاعی شود.

**سیما بهاری:** شیوه رهبر سازی دولت ها و رسانه های بین المللی همیشه تاثیر گذار بوده است. در مورد رضا پهلوی چه؟

**علی جوادی:** شاید تلاش دول و رسانه های بین المللی برای رهبر

زیادی در جامعه ندارند.

بعلاوه بنظم غرب الزاما پشت جریانات سلطنت طلب برای ابقای سلطنت در فردای سرنگونی رژیم اسلامی نیست. یک کشور را نشان دهید که در دوران اخیر چنین کرده اند. افغانستان و ظاهر شاه، عراق و پادشاهی عراق؟ واقعیت این است که غرب با این برگ بازی میکند، اما الزاما تعهدی به این جریانات نداده است. این جریانات مهره هایی در دست غرب هستند. بازیگرانی که بعضا بعد از اینکه رژیم سرنگون شد، میتوانند تماما بی مصرف شوند. نگاه کنید به صف نیروهایی که امروز دم در وزارت خارجه آمریکا عاجزانه بست نشسته اند. مجاهدین و قوم پرستان در صف مقدم چنین صفی هستند. بعضا هم از جریانات سلطنت طلب موفق تر بوده اند. آیا کسی می پذیرد که این جریانات جایی در فردای ایران خواهند داشت؟

**سیما بهاری:** امکانات کشورهای غربی و شیب مدیایی جاده نفع راستها است. آیا اینها در رهبر شدن رضا پهلوی کافی نیست؟

**علی جوادی:** قدرت تبلیغاتی غرب و دولتهای آنها زیاد است. اما آیا همگی بر روی "رهبر" شدن رضا پهلوی توافق دارند؟ الزاما نه! در جریان تحولات ۵۷ این دولتها در گوادالوپ پذیرفتند که دیگر شاه رفتنی است و برای جلوگیری از قدرت گیری کارگر و کمونیسم و کلا چپ در ایران، نیازمند کمر بند سبزی بودند که به دور بلوک شرق ببیچند. آیا چنین توافقی در قبال تحولات ایران در این دوره دارند؟

بعلاوه قدرت مدیایی در سالهای ۵۷ با سال ۲۰۱۸ قابل مقایسه نیست. در آن سالها مدیا اساسا در انحصار طبقات حاکم و دولتها بود. قدرت و امکانات مردم و کلا بشریت متمدن محدود و به درجات زیادی نا کار آمد بود. اما اکنون چی، در عصر انقلاب انفورماتیک؟ در عصر

اینترنت؟ در عصر مدیای اجتماعی که به سادگی هر فردی که بخواهد میتواند حضور اجتماعی خود را در جامعه تامین کند. توازن قوای رسانه ای به نفع جامعه و توده مردم زحمتکش و آزادیخواه تغییر کرده است. نه جمهوری اسلامی میتواند دسترسی به رسانه های جهانی را محدود کند، و نه دولتها و طبقات حاکم در غرب میتوانند در چنین تلاشی از پیش موفق باشند.

به این اعتبار پاسخ شما این است که الزاما چنین نیست. در عین حال کافی است نگاه گذری به قدرت تبلیغاتی و رسانه ای کمونیسم کارگری بیندازید. کم نیست. بی تاثیر نیست. قابل اغماض نیست. بر عکس موثر و مهم و تعیین کننده است.

بعلاوه، رهبر شدن محصول یک پروسه سیاسی و اجتماعی در جامعه است. رهبری در درجه اول محصول تفوق جنبش اجتماعی معینی در جامعه است. اگر راست محافظه کار و سلطنت طلب که خواهان ابقای گذشته است، بتواند مردم را به کم قانع کند، اگر بتواند مردم را به جای تکیه بر قدرت خود به قدرت توپ و تانک نیروهای آمریکا و متحدین اش متقاعد کند، و کلا در جامعه تفوق سیاسی پیدا کند، آن زمان میتوان از رهبری این جریانات در جامعه صحبت کرد. اما شواهد عینی و جنبشهای اجتماعی موجود در ایران چنین تصویری را نشان نمیدهد.

بر عکس امروز چشمها به کارگر و رهبران کارگری و کمونیسم دوخته شده است. کدام یک؟ آیا اسماعیل بخشی ها چهره محبوب و دوست داشتنی و نقطه امید کارگر و جامعه است یا امثال رضا پهلوی؟ کدامیک؟ آیا دختران و زنان انقلاب چهره ها و امیدهای تحولات آتی اند یا کسانی که بر مبنای خون و اشرافیت و پروپاگاندا رسانه های غرب به جایی رسیده اند؟



## از صفحه ۸ رضا پهلوی نماینده کدام تحول؟

**سیما بهاری:** برنامه سیاسی که در انستیتوی واشنگتن ارائه داده اند به چند نکته تاکید داشته: حمایت غرب از تغییر رژیم در ایران. ضبط اموال مقامات ایران در خارج از کشور و دادن آن به اپوزیسیون و اخراج برخی روزنامه نگاران طرفدار اصلاح طلبان حکومتی از رسانه های فارسی زبان خارج از کشور. اینها قابل پشتیبانی نیست؟

**علی جوادی:** پاسخ یک آری و یا نه ساده نیست. بگذارید به تک تک این موضوعات بپردازیم. ما هم خواهان عدم پشتیبانی غرب از حکومت ایران هستیم. اما در عین حال مخالف جنگ و تحریم های اقتصادی هستیم که تاثیر کشنده ای بر زندگی مردم داشته و میتواند داشته باشد. ما خواهان اخراج رژیم اسلامی از تمامی مجامع بین المللی هستیم. ما خواهان اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار هستیم. ما خواهان عدم فروش تسلیحات نظامی به جمهوری اسلامی هستیم. اما رضا پهلوی دارای چنین سیاستهایی نیست. یک رکن اساسی و همیشگی سیاستشان دنباله روی و تمکین به ارتجاعی ترین سیاستهای دول غربی در پس تحولات ایران است.

ضبط اموال مقامات جمهوری اسلامی در خارج کشور و دادن آن به اپوزیسیون: ما اولین جریانی هستیم که حدود ۱۸ سال پیش قطعنامه ای مبنی بر منجمد کردن اموال سران رژیم اسلامی در خارج کشور صادر کردیم. به بانکها و سازمانهای جهانی اعلام کردیم که این اموال ثروت جامعه و مردم ایران است و باید منجمد شود و به دولت منتخب مردم در ایران واگذار گردد.

این اموال متعلق به مردم در ایران است. اموال اپوزیسیون در خارج از کشور نیست. متعلق به هیچ جریان سیاسی خاصی نیست. متعلق به مردم است. اگر

کسانی از الان برای اموال مردم دندان طمع تیز کرده اند تنها نشان دهنده این است که بهیچوجه نماینده مناسبی برای حفاظت از اموال جامعه و مردم نیستند. به فکر جیب خود هستند.

اما مساله اخراج اصلاح طلبان از رسانه های فارسی زبان که به بحث داغی میان جریانات اصلاح طلب و سلطنت طلب دامن زده است، از پایه وارونه است. چرا؟ ببینید سیاست دفاع از بخشی از حکومت اسلامی، تلاش برای ایجاد تغییر تدریجی در رژیم آدمکشان اسلامی و تقویت جناح پرو غربی جمهوری اسلامی یک سیاست عمومی و استراتژیک غرب در حال حاضر است. این سیاست محصول حضور اصلاح طلبان حکومتی در این رسانه ها نیست. حضور اصلاح طلبان و پاسدار ژورنالیستها در این رسانه ها حاصل سیاست عمومی این دولتهای ارتجاعی و دست راستی است. بر عکس است. وارونه است. جریانات سلطنت طلب برای اینکه انتقادی به این دولتها نکنند، نوک تیز حمله شان را متوجه پاسدار ژورنالیستها کرده اند. گویا رقیب شان هستند. گویا به دنبال همان شغل آنها هستند.

مساله این است که با این پاسدار ژورنالیستها و یا بدون این پاسدار ژورنالیستها، سیاست عمومی این رسانه ها کماکان یکی است، تا زمانیکه تغییری در این سیاست ایجاد شود. حتی اگر این مهره ها هم اخراج شوند، بلندگو در دم دهان کسانی قرار میگیرد که بازتاب سیاست رسمی این دولتها است. این رسانه ها مبلغ آزادیخواهی، حقیقت جویی و یا برابری طلبی نیستند. سخنگوی دولت متبوع خود هستند. همین و همین. اتفاقا جریانات اصلاح طلب حکومتی و سلطنت طلب برخورداران به رسانه ها یکی است. سیاستشان متفاوت است اما جوهر انتظارشان از رسانه ها یکی است.

مساله ما اما تماما متفاوت است. ما رسانه های را میخواستیم که حقیقت جو باشند. کنجکاو و جستجوگر و پرسش کننده باشد. به دنبال تمام حقیقت، تماما آزادیخواهی و تمام برابری طلبی باشند. اما چنین انتظاری از این رسانه ها بیهوده است.

**سیما بهاری:** آیا مدل حکومتی رضا پهلوی مبتنی بر یک نظام سکولاریستی نیست؟ آیا همین یک قلم نمی تواند تایید شما را داشته باشد؟

**علی جوادی:** ببینید یک نوع سکولاریسم دم و گوش بریده را مطرح میکنند. چرا دم و گوش بریده؟ برای اینکه هنوز رسماً و تماماً خواهان جدایی دین از دولت نیستند. هنوز به دنبال آخوند خوش خیم میگردند، اوباش اسلامی ای مانند "آیت الله سیستانی". برای اینکه هنوز بعد از هر مطلبی تکرار میکنند که "خداوند نگهدار ایران باد". بعضاً میگویند خواهان جدایی دین از دولت هستند، اما برای اینکه خواهان حفظ اساس اسلام و سنت کثیف اسلام در جامعه هستند و مطرح میکنند که با دخالت دولت و اسلام، شریعت مقدس اسلام ضربه خورده است. نگران اسلام اند نه نگران ضربات و صدمات اسلام و مذهب به جامعه و مردم. به این اعتبار سکولاریسمشان وارونه است. برای اینکه در حرف میگویند "سکولاریسم" اما هیچوقت شنیده نشده که خواهان لغو کلیه قوانینی باشند که منشاء مذهبی دارند. برای اینکه خواهان حذف کلیه دروس مذهبی و مفاهیم مذهبی از سیستم آموزش و پرورش نشده اند. برای اینکه خواهان حذف هویت مذهبی افراد از شناسنامه افراد نیستند. برای اینکه خواهان مصادره اموالی نیستند که این جریانات در طول حیات سیاه خود از جامعه غصب و تصرف کرده اند. برای اینکه خواهان اجرای مقررات و قوانین اداری بر نهادهای مذهبی در جامعه نیستند. برای اینکه به جای هویت

اسلامی دولت خواهان هویت ناسیونالیستی و ملی دولت هستند، که از جنس همان هویت مذهبی است.

از طرف دیگر، سکولاریسم تمام و یا سقف مطالبات و سیاستهای ما در قبال مذهب نیست. ما خواهان مذهب زدایی از شئون جامعه و زندگی توده های مردم هستیم. ما مذهب را عین خرافه و عامل جهل و عقب ماندگی میدانیم. ما خواهان حفظ و سلامت جامعه از سمومات و زهر مذهب هستیم. همانطور که جامعه را باید از بیماریها و بلاهای متفاوت حفاظت کرد، باید جامعه را از گزند مذهب مصون داشت.

و مهمتر، ما خواستار حکومتی سکولار هستیم، اما خواست سکولاریسم ما را به تایید سکولاریسم نیم بند جریانات سلطنت طلب و دست راستی نمی رساند. همانطور که خواست رفع ستم ملی ما را به ناسیونالیسم قومی نزدیک نمیکند. همانطور که خواست برابری مطلق زن و مرد ما را به دفاع از فمینیسم تبدیل نمیکند. سکولاریسم ما قائم به ذات است. زمانیکه این جریانات به دنبال آخوند خوب و بد بودند، از اصلاح طلبان حکومت دفاع میکردند و به خاتمی پیام میدادند، ما خواهان سرنگونی حکومت اسلامی و جدایی دین از دولت بودیم.

راستش اگر قرار باشد، کسی از کسی دفاع کند، این جریانات باید از قاطعیت و انسان گرایی ما در مقابله با مذهب حمایت کنند. اما ما چنین توهمی نداریم. دیواری چینی جنشهای ما را از هم جدا و متمایز و متفاوت میکند.

**سیما بهاری:** مدل اقتصادی حکومت فرضی رضا پهلوی نزدیکی و مدارا با غرب و آمریکا است. آیا سیاست دروازه های ایران را بسوی یک زندگی بهتر باز نمی کند؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! کار ارزان

و کارگر خاموش. مدل اقتصادی حکومت این جریانات سرمایه داری عنان گسیخته است. خواهان گسترش قدرت اعمال نفوذ سرمایه بر شئون و زندگی کارگر و جامعه هستند. تئورسین های این جریانات زمانیکه عوامفریبی نمیکردند، مطرح میکردند که کارگر بعد از سرنگونی حکومت اسلامی باید بیشتر کار کند و کمتر مصرف کند. این جریانات خواهان رفاه فوری و همه جانبه برای همگان نیستند. خواهان بیمه بیکاری مکفی و شایسته یک زندگی انسانی برای تمام افراد آماده به کار نیستند. خواهان حداقل دستمزد کفاف دهنده یک زندگی انسان قرن بیست و یکمی نیستند. در حکومت اینها کارگر باید استثمار شود، باید بیشتر کار کند، باید سهم زیادی از ثروت اجتماعی نداشته باشد، باید کماکان محروم و فقیر باشد.

بعلاوه کدام جامعه سرمایه داری در خاورمیانه را می شناسید که کارگر محروم ترین بخش جامعه نباشد؟ ببینید سرمایه داری در ایران، با باز شدن درهای باز برای سرمایه دار و استثمارگر مسلماً شرایط بهتری خواهد بود. زندگی بهتر برای سرمایه و سرمایه دار خواهد بود، اما سهم کارگر کماکان فقر و محرومیت و استثمار بیشتر خواهد بود. مسلماً با گسترش مناسبات با غرب تغییراتی در حرکت سرمایه در جامعه ایجاد خواهد شد. اما هر گونه بهبودی در زندگی کارگر و جامعه تنها و تنها محصول مبارزه کارگر است. بعلاوه ما هم خواهان عادی سازی مناسبات جامعه فردای ایران با غرب و در منطقه هستیم.

اما نکته نهایی این است، سرمایه داری عامل رفاه و یک زندگی بهتر توده مردم نیست، عامل محرومیت و فقر و فلاکت است. عامل بیکاری و شکاف طبقاتی است. عامل اجبار و انقیاد و نابودی طبقه کارگر است.

## آلترناتیو همین جاست!

### آرش دشتی

از سال ۸۸ و مشخصاً از اعتراضات سراسری دی ماه ۹۶، عده ای و در راس آن ها، ورشکستگان سیاسی و سازمان ها و احزاب حاشیه ای و بنگاه های تبلیغاتی اصلاح طلبان در بوق های گلوگرفته شان می دمند که بخشی از مردم به جان آمده، در خیابانند ولی رهبری و آلترناتیو و سازمانده وجود ندارد! اما خروش متحدانه ی ماه های اخیر نشان داد که ذره بینی که گرد شهر به دنبال رهبری می گردد، زنگ زده است. زنگ زده است چون نمی بیند، نمی تواند ببیند، یعنی اساساً نمی خواهد ببیند.

از سال ۸۸ و مشخصاً از اعتراضات سراسری دی ماه ۹۶، عده ای و در راس آن ها، ورشکستگان سیاسی و سازمان ها و احزاب حاشیه ای و بنگاه های تبلیغاتی اصلاح طلبان در بوق های گلوگرفته شان می دمند که بخشی از مردم به جان آمده، در خیابانند ولی رهبری و آلترناتیو و سازمانده وجود ندارد! اما خروش متحدانه ی ماه های اخیر نشان داد که ذره بینی که گرد شهر به دنبال رهبری می گردد، زنگ زده است. زنگ زده است چون نمی بیند، نمی تواند ببیند، یعنی اساساً نمی خواهد ببیند.

اعتراضات و اعتصابات، ورز داده شده و صیقل خورده است. رهبری انقلاب بیش رو و در راه و آلترناتیو آینده ی ایران با چه زبانی و با کدام عرض اندام، ظاهر شود؟ فشار و سرکوب و کشتار چهل ساله، مگر گذاشته است تا سازماندهی و رهبری عیان و آشکار در جنبش سرنگونی ظاهر شود و با نام و نشان واقعی اش در صفوف اعتراضات بدرخشد؟! اما علیرغم همه ی خونپاشی ها، امروز این کارگران هستند که با شعارهای روشن و شفافتر از هر زمان دیگری، مهر و نشان رهبری و همزیمنیک خود را بر اعتراضات و اعتصابات مردم زده است. هر گونه همنوایی با جریانات متوهم مبنی بر اینکه آلترناتیو وجود ندارد! ندیدن واقعیت های

جنبش و جامعه است. وقتی جریانات راست از سلطنت طلب و جبهه ملی و کوروش پرست ها و اصلاح طلبان به تکاپو افتاده اند تا از نمود اعتراضات مردم و جنبش سرنگونی برای خود کلاهی بدوزند و جالب تر اینکه حکومت از کیهان حسین شریعتمداری تا روزنامه ی رسالت و امام جمعه ی شوش و شوستر و اهواز بعد از سال ها سکوت، زبان باز کرده اند که مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و سندیکای شان، «کارگری- کمونیستی» است، فقط کورانی که ذره بین زنگ زده در دست دارند، از دیدن حضور آشکار رهبری و آلترناتیو عاجزند. آیا با توجه به فضای سرکوب و زندان و شکنجه رهبران و چهره های علنی جنبش کارگری و

جنبش معلمان و حقوق کودک آن توازن قوای سیاسی لازم برای بردن نام حزب کمونیست کارگری فراهم شده است؟ دور نیست روزی که نام این حزب علناً بر تارک مبارزات مردم بدرخشد! رژیم با این سرکوبها راه بجایی نخواهد برد و راه نجاتی برایش متصور نیست! جنبشهای اعتراضی روز بروز قویتر و قویتر پیش میتازند. امروزه با این درجه از سطح عروج جنبش کارگری و اجتماعی و حضور لحظه به لحظه ی حزب کمونیست کارگری و تلویزیون ۲۴ ساخته ی کانال جدید، هر جریانی که ذره ای واقع بینی و انصاف و شجاعت داشته باشد، باید از نقش مادی و معنوی این حزب نام برد.\*

### از صفحه ۹ رضا پهلوی نماینده کدام تحول؟

سرمایه داری و رفاه در ایران قابل جمع نیستند. اقتصاد ایران بر مبنای کار ارزان سازماندهی شده است. کار ارزان، یعنی محرومیت بدون انکار طبقه کارگر و به تبع آن اکثریت عظیم جامعه. هر کس که امروز سرمایه داری را عامل یک زندگی بهتر بداند باید در انسانیت اش شک کرد.

**سیما بهاری:** رضا پهلوی می تواند تکیه بر شعارهایی داشته باشد که در ایران برفع دودمان ایشان سر داده شده است. آیا در مقابل این بازگشت به گذشته چه تنها نیست؟

**علی جوادی:** زمانیکه از "چپ" صحبت میکنیم، منظور مسلماً چپی است که با پرچم کمونیسم کارگری نمایندگی میشود. چپ امروز یعنی کمونیسم کارگری. این چپ تنها نیست، کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی را با خود خواهد داشت. جنبش کارگری را با خود خواهد داشت. جنبش مجمع عمومی و شورایی کارگر را با خود خواهد داشت. جنبش برابری طلبی زن و

مرد را با خود خواهد داشت. جنبش خلاصی فرهنگی جوانان را با خود خواهد داشت.

آن جریانی تنها است که می خواهد گذشته را به مردم وعده دهد. آنانکه می خواهند گذشته و عقبگرد و ارتجاع را به مردم تحویل دهد. جریانی تنها است که یک ذره آزادی را به مردم وعده میدهد در شرایطی که مردم تمام آزادی را می خواهند. آن جریانی تنها است که یک ذره برابری زن و مرد را به جامعه وعده میدهد، در حالی که زنان و جامعه برابری مطلق زن و مرد را می خواهد. جریانی تنها است که می خواهد بر خلاف خواست و مطالبه مردم، تغییرات محدود و اندکی را وعده دهد و ناچار است که خواست و مطالبه مردم را کنترل و مهار کند. جریانی تنها است که می خواهد سرمایه و سلطنت را به مردم بفروشد. جریانی تنها است که می خواهد کسی که خورش تعیین کرده که چه مقامی داشته باشد را به مردم بفروشد. ما تنها نیستیم. کمونیسم کارگری نماینده آزادیخواهی، برابری طلبی و رفاه و انسانیت است.

**سیما بهاری:** آیا نقدتان به این جریان به معنی این نیست که شما از حالا در نقش اپوزیسیون جریان راست ظاهر می شوید؟

**علی جوادی:** بهیچوجه. ما با جمهوری اسلامی در جنگیم. اما با این جریانات جدل میکنیم. هدف ما سرنگونی رژیم اسلامی و اسقرار حکومتی مبتنی بر آزادی و برابری و رفاه همگان، یک جمهوری سوسیالیستی، است. مطلوبترین پروسه چنین تحولی از نقطه نظر ما یک انقلاب اجتماعی است. ما اپوزیسیون حاکمیت اسلامی هستیم. در عین حال منتقد جریانات راست هستیم.

مگر این جریانات راست و ضد کمونیست شب و روز در نقد کمونیسم مرثیه نمیخوانند. مگر این جریانات منتقد ما نیستند. این دو گانگی در استاندارد از کجا آمده است؟

ما هدف خودمان را گم نکرده ایم. جنگ با جمهوری اسلامی را باید به سرانجام رساند، باید یک انقلاب همه جانبه را رهبری و سازماندهی کرد. در عین حال باید جریانات راست و سازشکار را که هر روزه مانعی در جهت نیازمندیها و خواست مردم ایجاد

میکند، نقطه سازشهایی با وضع موجود تعریف میکنند، را بخاطر تحقق آزادی و رفاه و برابری طلبی نقد و حاشیه ای کرد.

سیما بهاری: چه نیرویی اجتماعی و سازمانی و رهبری کننده را در مقابل جمهوری اسلامی و جریانات راست قرار می دهید که شانس انتخاب شدن در جامعه را داشته باشد؟

علی جوادی: جنبش کمونیسم کارگری را. ببینید، جامعه دستخوش تحولات عظیمی است. همین تحولات حاضر و حضور قدرتمند طبقه کارگر را مشاهده کنید. چه نیرویی دست بالا را داشت؟ آیا کارگر و کمونیسم به چشم و چراغ جامعه تبدیل نشد؟ من مدعی آن نیستم که راه

پیروزی ما هموار و سرازیری است. نه، چنین توهمی ندارم. باید تلاش کرد. تلاشی هرکولی. اما شانس ما هم کم نیست. جامعه با خواست ماست. ما مطالبات جامعه را نمایندگی و بیان میکنیم. اگر تحولات حاضر به یک انقلاب اجتماعی منتج شود آن زمان پیروزی کارگر و کمونیسم محتمل ترین سناریو است. در حال حاضر هر دو آلترناتیو راست و چپ در جامعه مطرح هستند. جامعه اما چپ است. اینکه این کمونیسم موفق شود، مسلماً اتوماتیک و جبری نیست. بلکه تنها حاصل تلاش بسیار و سترگ است. اما ممکن است. و این به قول منصور حکمت همین امکان با شکوه و شغف انگیز است.

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## اطلاعیه های حزب

### اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز، شهرداری بروجرد و چند خبر دیگر

#### چهارمین روز اعتصاب کارگران ایستگاه گاز اندیمشک

روز ۱ دی کارگران ایستگاه گاز اندیمشک در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماهه مزد پرداخت نشده برای چهارمین روز دست از کار کشیدند. این اعتراضات ادامه دارد.

#### اعتصاب کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز

روز سی آذر کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز در اعتراض به تعویق پرداخت ۶ ماهه مزد دست به اعتصاب زدند. بنا بر خبرها بدلیل افت هفتاد درصدی تولید کارخانه، خطر تعطیلی و بیکار شدن از کار کارگران را تهدید میکنند.

#### اعتصاب کارگران شرکت کیسون قطار شهری اهواز

روز ۱ دی کارگران شرکت کیسون قطار شهری اهواز بار دیگر در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۹ ماهه مزد مقابل این شرکت تجمع کردند.

#### تجمعات اعتراضی پی در پی کارگران شهرداری بروجرد

روز ۲۷ آذر حدود ۳۰۰ تن از کارگران و کارکنان شهرداری بروجرد برای چندمین روز متوالی در اعتراض به تعویق پرداخت ۹ ماهه مزد خود در محوطه شهرداری تجمع کردند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ دی ۱۳۹۷، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

### سه نفر دیگر از کارگران بازداشتی فولاد ملی اهواز آزاد شدند

کارگران بر آزادی تمامی بازداشت شدگان تاکید دارند

امروز اول دیماه سه نفر دیگر از کارگران گروه ملی فولاد اهوا به اسامی مجید جنادله، علی عقیبی و آرش محمدپور آزاد شدند. بدین ترتیب ۲۹ نفر دیگر از کارگران در بازداشت بسر میبرند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همکارانشان هستند و همراه با خانواده های دستگیر شدگان پیگیر آن هستند. بنا به گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، ظهر امروز اول دیماه هیاتی مرکب از دادستان خوزستان، معاول سیاسی امنیتی استاندار و مدیر کل اطلاعات استان همراه با تعدادی از مامورین امنیتی وارد گروه ملی فولاد اهواز

شدند. در این دیدار آنها ضمن بازدید از برخی از خطوط تولیدی در حال آماده سازی کارخانه، با اعلام اینکه کارگران بازداشتی به این زودیها آزاد نخواهند شد، کارگران را نسبت به ادامه اعتراضاتشان هشدار دادند. همچنین قاضی پرونده این کارگران به وکیل آنها گفته بود که او کاره ای نیست و تا زمانی که اداره اطلاعات نخواهد نمیتواند کسی را آزاد کند. این درحالیست که استاندار خوزستان امروز طی اظهاراتی از آزادی ۲۰ نفر از کارگران و اینکه باقی نیز قرار است آزاد شوند، خبر داد.

عکس العمل ضد و نقیض مقامات حکومتی در قبال کارگران بازداشتی در فولاد اهواز، بیش از هر چیز تشتت در صفوف آنان و هراس و وحشتشان از مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز را به نمایش میگذارد. خواست فوری کارگران گروه ملی فولاد اهواز، آزادی فوری و بدون قید و شرط همکاران بازداشتی، پایان دادن به فضای امنیتی در کارخانه، براه افتادن تمامی خطوط تولید و رفع خطر بیکاری از سر آنان و پرداخت تمامی طلب هایشان است.

همبستگی با کارگران گروه ملی فولاد اهواز و کارگران بازداشتی با قدرت به جلو میروند از جمله روز بیست و نهم آذر ماه کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان (TUC) طی نامه ای حمایت خود را از کارگران گروه ملی فولاد اهواز اعلام داشت و اقدامات دولت ایران در سرکوب مستمر فعالین سندیکایی، دانشجویان و دیگر فعالین در سراسر ایران را محکوم نمود. همچنین در بیست و هشتم آذر والتر سانچز، دبیرکل کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال، (در بر گیرنده ۵۰ میلیون عضو در صنایع معدن، انرژی و تولید در بیش از ۱۴۰ کشور) طی نامه ای خطاب به حسن روحانی با خواست آزادی کارگران بازداشتی فولاد و محکوم کردن این دستگیرها خواستار پاسخگویی به خواسته های کارگران گردید. لیست همبستگی ها ضمیمه است. این همبستگی ها ادامه دارد.

حفظ اتحاد کارگران از طریق برپایی منظم مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی، اطلاع رسانی منظم به جامعه و در سطح بین المللی از آنچه که در این کارخانه میگذرد و بدین ترتیب تلاش برای جلب وسیعترین حمایت های مردم در شهر اهواز و در سطح جامعه و در سطح بین المللی و همراهی خانواده های بازداشت شدگان برای آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان گام های مهمی است که فوری و حیاتی است. حزب کمونیست کارگری بر ادامه حمایت ها از کارگران گروه ملی فولاد اهواز تاکید دارد.

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ دی ۱۳۹۷، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸

لیستی از حمایت ها از کارگران گروه ملی فولاد اهواز:

- حمایت بازنشستگان در تجمع اعتراضی سه هزار نفره

خود در روز ۲۷ آذر در تهران  
- حمایت بازنشستگان در تجمعات کرمانشاه، اصفهان، ابهر، گیلان با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد ۲۸ و ۲۹ آذر

- پیام حمایتی اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشورمشمتمل از ۲۶ انجمن و سندیکا،  
- پیام همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه،  
- گروه نفتگران متحد خوزستان  
- رانندگان کامیون غرب کشور  
- دانشجویان دانشگاههای خوزستان،

- گروههایی از رانندگان و کامیونداران خوزستان، کرمان، مشهد، قم، گیلان، استان یزد با کلیپهایی حمایت خودرا از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند

- ادمین ها و اعضای گروه فرهنگیان و معلمین خوزستان،

- گروه تلگرامی "حمایت از معلمین دربند"،

۱- بر گروه دانشجویان ایران

- رانندگان کامیون کرمان،

- سندیکای شرکت واحد

- اتحادیه آزاد کارگران ایران،

- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه،

- کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری،

- گروه اتحاد بازنشستگان،

- پیام حمایت تعدادی از دانشجویان،

- تجمع اعتراضی حمایتی کارگران آیین فولاد (۲۷ آذر)

- بیانیه حمایتی تعدادی از دانشجویان کرمان

- جمعی از کارگران در شهر رشت با ارسال پیام حمایتی

در مدیای اجتماعی

- اعلام حمایت رانندگان استان اردبیل از کارگران

فولاد اهواز

- کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان (TUC)

- نامه حمایتی والتر سانچز، دبیرکل کنفدراسیون

جهانی سندیکایی اینداستریال، (در بر گیرنده ۵۰

میلیون عضو در صنایع معدن، انرژی و تولید در بیش

از ۱۴۰ کشور)

- کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them

Now)

- کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

- کمپین آزادی کارگران فولاد

\*\*\*\*\*

### اولین روز اعتصاب خطاری رانندگان کامیون

امروز اول دیماه رانندگان کامیون بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده شان اولین روز اعتصاب سراسری خود را آغاز کردند. اعتصاب خطاری رانندگان تا دهم دیماه به مدت ده روز ادامه خواهد یافت. گزارشات این روز از خلوت بودن جاده ها و اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران در اصفهان، یزد، تبریز، بندرچاه بهار، بندر خمینی، ساری، شهرک صنعتی، و در محورهای اتوبان ساوه، اتوبان سلفچگان، جاده قدیم قم بین سه راه

خیرآباد، جاده اهواز گردنه هفت گل و اتوبان ساوه خبر میدهد و همچنین رانندگان شرکت تعاونی کامیون و تریلی داران استان مازندران و شهرهایی از کردستان و غرب کشور از جمله سقز به اعتصاب وارد شده اند.

در این روز همچنین رانندگان شرکت فرادیس در اعتراض به جریمه های بی مورد که بطور واقعی نوعی باجگیری است و توسط شرکت واحد اخذ میشود، دست از کار کشیدند. همچنین جمعی از رانندگان اتوبوس های ناوگان حمل و نقل شهری به این اعتصاب پیوستند و در مقابل سازمان دهیاری ها و شهرداری ها در تهران تجمع کردند.

بدین ترتیب در حالیکه رژیم اسلامی در گروه های مدیای اجتماعی که مکانی برای گرد آمدن رانندگان اعتصاب و تصمیم گیری جمعی شان هست، توسط عوامل اطلاعاتی اش آنها را مورد تهدید قرار میدهد، این اعتصاب اولین روز خود را وسیعاً شروع کرد.

گرانی فزاینده و افزایش هر روزه قیمت وسائل یدکی، حقوق های چند بار زیر خط فقر و محرومیت از هر گونه تامین، سیستم چپاول و دزدسالاری حاکم در شرکت های مافیایی حمل و نقل، نا امنی جاده ها و محرومیت از حق ایجاد تشکل مستقل از جمله موضوعات مورد اعتراض رانندگان کامیون و کامیونداران در طول چند دوره از اعتصاباتشان بوده است. حرکت آنها اعتراضی به گرانی و فقر و سیستم مافیائی و چپاول حاکم است به همین دلیل اعتراضات آنها همواره با حمایت مردم روبرو بوده است. یک درخواست رانندگان کامیون همبستگی مردم با مبارزاتشان است. از اعتراضات رانندگان وسیعاً حمایت کنیم و صدای آنها را به همه جا برسانیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ دی ۱۳۹۷، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

## اعتراضات کارگران و معلمین در تبریز

### گسترش می یابد!

پیش به سوی اعتصابات سراسری!

۳۰ آذرماه کارگران ماشین سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های معوقه شان، دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند!

امروز ۲ دیماه کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق های معوقه شان دست از کار کشیده و به تجمع در محوطه کارخانه پرداختند!

همچنین امروز ۲ دیماه تعداد زیادی از معلمان بازنشسته و شاغل در مقابل آموزش و پرورش دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع در حالی انجام شد که نیروهای انتظامی و اطلاعات و سپاه از سه روز قبل خیابان منتهی به اداره را قرق کرده بودند ولی موفق به جلوگیری از این تجمع نشدند.

معلمان با در دست داشتن پلاکارهایی و نیز سر دادن شعارهایی مانند: "کارگر، معلم، اتحاد، اتحاد" و "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد"، "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاریه"، "حقوق های نجومی، فلاکت عمومی" به وضعیت فلاکتی اقتصادی جامعه اعتراض کردند!

کارگران، کارمندان، معلمین و همه مردم تبریز! حقوق های پرداخت نشده تبدیل به یک قاعده شده است. در آذربایجان، مانند سایر جاهای ایران، صدها مرکز کارگری با بحران روبرو بوده و یکی پس از دیگری در حال بسته شدن هستند. ماحصل چنین اوضاع فلاکت بار، زندگی مشقت بار میلیون ها کارگر میباشد. رژیم قادر به ادامه حیات اقتصادی جامعه نیست. این به معنی بحران لاعلاجی است که رژیم در آن دست و پا میزند و قادر به جوابگویی به ابتدایی ترین خواسته های ما نیست.

زندگی با دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر برای کارگران و معلمین و بازنشستگان باعث به میدان آمدن این بخش مهم جامعه و اعتصابات و اعتراضات متعدد شده است. کارگران به کل این نظام بردگی و استثمار و تبعیض معترض اند و خواهان یک زندگی انسانی هستند.

به این وضعیت باید نقطه پایان گذاشت. باید در صفی متحد، با اعتصابات و اعتراضات سراسری به مقابله با رژیم ایت الله های میلیاردی و جنایتکار برخاست.

کارگران و معلمین و بازنشستگان در مواردی بصورت سراسری دست به تشکیل شوراهای مستقل خود زده اند. این شورا ها بهترین ظرف تشکیلی برای هدایت و رهبری اعتراضات میباشد. در همه محیط های کار میتوان با تشکیل شوراهای سازماندهی، متشکل از پیشروان اعتراضات، هماهنگی های لازم برای بهم دوختن اعتراضات و اعتصابات دست زد. اعتراضات و اعتصابات متحد و سراسری مسیر مبارزه برای رهایی از کل این نظام بردگی و چپاول را هموارتر میکند.

پیش بسوی تشکیل شوراهای سازماندهی اعتراضات!

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۲ دیماه ۱۳۹۷ برابر با ۲۳ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

## سه خبر از اعتراضات کارگران بخاطر

### نپرداختن دستمزدها

تجمع صد کارگر در مقابل کارخانه سیمان مسجد

سلیمان

روز یکشنبه دوم دیماه ۹۷ حدود یکصد نفر از کارگران کارخانه سیمان مسجد سلیمان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و حق بیمه خود در مقابل این کارخانه تجمع کردند. این کارگران چندین ماه دستمزد خود را طلب دارند.

## تجمع کارگران شرکت کاوش در اعتراض به ممانعت از حضورشان در کارخانه

صبح روز ۲ دی حدود ۸۰ کارگر واحد سازنده مخازن تحت فشار «کاوش» (سانکا) در قزوین، در اعتراض به جلوگیری کردن مدیران کارخانه به بهانه کمبود منابع مالی از ورود آنان به محل کارشان در مقابل کارخانه تجمع کردند. به گفته کارگران پیش از این کارخانه حدود ۲۰۰ کارگر داشت که شهریور ماه سال جاری حدود ۵۰ تا ۶۰ کارگر با اتمام قرارداد کارشان اخراج شدند. کارگران شرکت کاوش دستمزد آذر ماه را نگرفته اند و هر یک از آنان براساس سوابق کاری خود، سنوات را از کارفرما طلبکارند.

## تجمع کارگران شهرداری آبادان

روز ۱ دی ماه کارگران شهرداری آبادان در ادامه اعتراضات متوالی خود در یکماه اخیر به خاطر پرداخت نشدن ۴ ماه دستمزدشان مقابل شهرداری تجمع کردند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شورا ها

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ دی ۱۳۹۷، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

## تجمع اعتراضی فرهنگیان بازنشسته و

### شاغل در تبریز

### معلم، کارگر، اتحاد، اتحاد

به دنبال تجمعات سراسری بازنشستگان که در روزهای ۲۷، ۲۸ و ۲۹ آذر در تهران، مشهد، ابر، رشت، کرمانشاه و یزد برپا شد امروز دوم دی ساعت ده صبح تعدادی از بازنشستگان و شاغلین فرهنگی در شهر تبریز مقابل آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند و با اعتراض پیگیر خواسته هایشان شدند. یک شعار برجسته در این تجمع شعار "کارگر معلم، اتحاد، اتحاد" بود. با این شعار تجمع کنندگان بطور واقعی همبستگی خود را با کارگران در گروه ملی و نیشکر هفت تپه اعلام داشتند. شعارهای دیگر فرهنگیان تجمع کننده در مقابل آموزش و پرورش در این روز عبارت بودند از "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد"، "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاریه"، "حقوق های نجومی، فلاکت عمومی". بازنشستگان با شعارهایشان فریاد اعتراض خود را علیه فقر، علیه فاصله عظیم طبقاتی در جامعه و حقوق های نجومی و علیه اینهمه بی تاملی و محرومیت از پایه ای ترین بیمه های اجتماعی اعلام داشتند. بنرهایی چون تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان، اتحاد، اتحاد، در این تجمع توجه ها را به خود جلب میکرد. بدین ترتیب بازنشستگان بار دیگر با تجمعات

گذشته خود اعلام کردند که در صورت آزاد نشدن همه کارگران زندانی، تجمعات اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت و مقابل ساختمان دادگستری اهواز تجمع می‌کنند.

حزب کمونیست کارگری همه مردم اهواز را به حمایت از خانواده های کارگران فولاد اهواز و پیوستن هرچه وسیعتر به تجمع این خانواده ها فرا میخواند. اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز همچون اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه یک حرکت مهم سیاسی و اجتماعی است و باید فعالانه از آن حمایت کرد. ادامه قدرتمند همبستگی با کارگران فولاد اهواز یک شرط مهم موفقیت این کارگران و آزادی تمامی کارگران بازداشتی در گروه ملی است. تمامی کارگران بازداشت شده در فولاد اهواز و علی نجاتی و عسل محمدی از بازداشت شده نیشکر هفت تپه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

پیش بسوی ایجاد شورا ها  
پیش بسوی اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ دی ۱۳۹۷، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸

لیستی از حمایت ها از کارگران گروه ملی فولاد اهواز:

- حمایت بازنشستگان در تجمع اعتراضی سه هزار نفره خود در روز ۲۷ آذر در تهران
- حمایت بازنشستگان در تجمعات کرمانشاه، اصفهان، ابهر، گیلان با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد ۲۸ و ۲۹ آذر
- پیام حمایتی اتحادیه همهانگ کننده رانندگان سراسر کشور مشتمل از ۲۶ انجمن و سندیکا،
- پیام همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه،
- گروه نفتگران متحد خوزستان
- رانندگان کامیون غرب کشور
- دانشجویان دانشگاههای خوزستان،
- گروههایی از رانندگان و کامیونداران خوزستان، کرمان، مشهد، قم، گیلان، استان یزد با کلیپهایی حمایت خود را از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند
- ادمین ها و اعضای گروه فرهنگیان و معلمان خوزستان،
- گروه تلگرامی "حمایت از معلمان دربند"،
- ۱- بر گروه دانشجویان ایران
- رانندگان کامیون کرمان،
- سندیکای شرکت واحد
- اتحادیه آزاد کارگران ایران،
- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه،
- کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری،
- گروه اتحاد بازنشستگان،
- پیام حمایت تعدادی از دانشجویان،
- تجمع اعتراضی حمایتی کارگران آیین فولاد (۲۷ آذر)
- بیانیه حمایتی تعدادی از دانشجویان کرمان

«بلبرینگسازی تبریز» در اعتراض به پرداخت نشدن ۴ ماه دستمزد دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند.

#### تجمع اعتراضی کارگران شرکت کیسون

روز یکشنبه ۲ دی ماه جمعی از کارگران شرکت کیسون، پروژه ساخت قطار شهری اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن ۱۸ ماه مزد خود برای دومین روز متوالی در مقابل ورودی محل کارشان اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند. در همین رابطه این کارگران بارها تجمع اعتراضی بر پا کرده اند.

بالا کشیدن دستمزد توافق شده کارگران توسط کارفرمایان یک جنایت آشکار علیه کارگران است. حقوق زیر خط فقر کارگران را چندین ماه و حتی بیش از یک سال نمی پردازند و در مقابل اعتراض کارگران پاسدار و نیروی انتظامی را علیه کارگران بسیج میکنند. کارگران حق دارند چنین حکومت و سیستمی را با انقلاب خویش در هم کوبند. آن روز دور نیست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شورا ها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ دی ۱۳۹۷، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

### تجمع خانواده های کارگران بازداشتی فولاد مقابل استانداری اهواز

امروز آخرین اولتیماتوم کارگران فولاد برای آزادی همکارانشان است

امروز سوم دیماه تعدادی از خانواده های بازداشت شدگان گروه ملی فولاد اهواز مقابل استانداری تجمع کردند. همسران و کودکان کارگران بازداشت شده در حالیکه دست نوشته هایی با مضمون "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "بابا منتظرت هستم"، "پدرم را آزاد کنید"، "پسرم را آزاد کنید"، همراه داشتند، مقابل استانداری تجمع کردند.

تا کنون ۶ نفر از دستگیر شدگان روزهای ۲۵ و ۲۶ آذر به قید وثیقه آزاد شده اند اما ۲۶ نفر از آنان همچنان در زندان نگه داشته شده اند. اسامی کارگرانی که هم اکنون در بازداشت هستند عبارت است از: میثم علی فتوایی، عیسی مرعی، امین، مرتضی اکبری، طارق خلفی، مسعود عفری، جعفر صبحانی، مصطفی عیبات، قریب حویزای، کریم سیاحی، حامد باصری، حافظ کنعانی، مجید جلالی، حسین داودی، کاظم حیدری، یاسر ابراهیمیان، امیر دهقان، احسانی یوسفی، بهزار شهبازی، سید مجید موسوی، محمد پیور حسن، محسن بهبهانی، سید احمد سید نوری، بهزار علیخانی، میثم آل مهدی، احمدیاری خواست کارگران آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان است. کارگران فولاد در بیانیه روز

خود در شهرهای مختلف بر اعتراض کل جامعه تاکید گذاشتند.

محکوم کردن صدها هزار بازنشسته به فقر و محرومیت غیرقابل تحمل آنها در سنین بازنشستگی یک جنایت آشکار از جانب حکومت و مفتخوران حاکم سرمایه دار است. باید وسیعاً از اعتراضات بازنشستگان حمایت کنیم.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شورا ها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ دی ۱۳۹۷، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

### اعتراضات کارگران به دستمزدهای پرداخت نشده و علیه اخراج

#### تجمع کارگران شرکت آریا استیل اندیمشک

روز سوم دیماه جمعی از کارگران شرکت آریا استیل اندیمشک، در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه از حقوقشان، مقابل فرمانداری اندیمشک اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند و حقوقهای خود را طلب کردند. هنوز پاسخی به خواست برحق این کارگران داده نشده است.

#### تجمع اعتراضی کارگران نیروگاه برق در نوشهر

روز یکشنبه ۲ دی ماه کارگران نیروگاه برق نوشهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق چندین ماه شان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

#### تجمع کارگران سیمان کارون در حمایت از همکار

##### اخراجی خود

روز اول دیماه کارگران سیمان کارون در اعتراض به اخراج یکی از همکارانشان در محدوده کارخانه در مقابل ساختمان اداری تجمع کردند و بر بازگشت او به کار پافشاری کردند. به گفته کارگران کارگر اخراج شده شانزده سال است که در این کارخانه کار میکند و به بهانه اتمام قرارداد از پایان آذر ماه از کار بیکار شده است. در این روز بدنبال تجمع چند ساعته کارگران، زیر فشار اعتراض کارگران کارفرما ناگزیر وعده بازگرداندن کارگر اخراجی به کارش را داد و کارگران موقتاً اعتراض خود را خاتمه دادند. کارگران اعلام کرده اند که اگر این وعده عملی نشود، دوباره تجمع خواهند کرد. اعتراض کارگران سیمان کارون الگوی آموزنده و ارزنده ای برای استحکام صفوف کارگران و مقابله با تعرض کارفرمایان و حکومت است.

#### تجمع اعتراضی کارگران شرکت سیمان نائین

روز دوم دیماه کارگران شرکت سیمان نائین در اعتراض به تعویق دو ماه مزد دست از کار کشیدند.

#### تجمع کارگران بلبرینگ سازی تبریز

صبح روز دوم دیماه شماری از کارگران کارخانه



- جمعی از کارگران در شهر رشت با ارسال پیام حمایتی در مدیای اجتماعی  
- اعلام حمایت رانندگان استان اردبیل از کارگران فولاد اهواز  
- کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان ( TUC )  
- نامه حمایتی والتر سانچز، دبیرکل کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال، (در بر گیرنده ۵۰ میلیون عضو در صنایع معدن، انرژی و تولید در بیش از ۱۴۰ کشور)  
- کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)  
- کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
- کمپین آزادی کارگران فولاد  
\*\*\*\*\*

## تعرض گستاخانه نیروهای انتظامی به کارگران فصلی نیشکر هفت تپه

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح روز ۳ دی ماه در پی بحث و جدل جمعی از کارگران فصلی با مسئولین شرکت نیشکر هفت تپه، دو ماشین از مامورین انتظامی پاسگاه هفت تپه در حمایت کارفرمایان وارد محل شدند و با ضرب و شتم چهارده نفر از کارگران را دستگیر و به پاسگاه منتقل کردند.

بنا بر خبر با توجه به شروع فصل برداشت و بهره برداری در شرکت نیشکر هفت تپه، کارگران فصلی و روزمزد که دارای سابقه کار قبلی هستند از دو هفته پیش بطور مرتب در حال ثبت نام جهت بکارگیری مجدد هستند. اما در این روز مسئولین بهره برداری در پی اصرار جمعی از کارگران برای ادامه اشتغالشان و بوجود آمدن تنش با یورش مامورین انتظامی روبرو شدند.

تعرض مزدوران حکومت اسلامی به کارگرانی که از شغل و زندگی خود دفاع میکنند، یک گستاخی نفرت انگیز است که باید با اعتراض همه کارگران و مردم پاسخ گیرد. عوامل کارفرما و فرمانده نیروهایی که به کارگران تعرض کرده اند را باید شناسایی و افشا و رسوا کنیم و خواهان محاکمه همه آنها شویم. کارگران حق دارند با منزلت و امنیت و رفاه زندگی کنند و دست درازی مزدوران حکومتی به آنها قابل تحمل نیست. دولت و مسئولین نیشکر هفت تپه بخاطر عمل شنیع ضرب و شتم کارگران باید به کارگران و همه مردم جوابگو باشند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ دی ۱۳۹۷، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

**اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران به بیست و هشت شهر رسید**

امروز سوم دی ماه سومین روز اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران است. در دو روز اخیر گزارشات از گسترش و ادامه اعتصاب در شهرهایی مثل سنج، پایانه تهران، کمربندی دورود در لرستان، بندرعباس، اهواز، مشهد و بندرخمینی با شرکت شمار بسیاری از رانندگان خبر میدهند. بنا به گزارشها تا لحظه انتشار این گزارش در ۲۸ شهر رانندگان و کامیونداران به اعتصاب پیوسته اند و شمار آنها در حال افزایش است. اعتصاب اخطاری رانندگان تا دهم دیماه ادامه خواهد یافت. در روز اول این اعتراض سراسری گزارشات از اعتصاب رانندگان کامیون در اصفهان، یزد، سلفچگان، قم، سقز و رانندگان شرکت تعاونی کامیون و تریلی داران استان مازندران خبر میدادند.

یک اقدام پیشرو و آموزنده رانندگان کامیون در اعتراضاتشان ارسال کلیپ های حمایت از کارگران گروه ملی فولاد اهواز با خواست آزادی فوری کارگران دستگیر شده بوده است.

اعتراض رانندگان کامیون و کامیونداران از جمله به عملی نشدن وعده های داده شده قبلی و به گرانی های وحشتناک روزافزون و وضع نابسامان معیشت و زندگی شان است. آنها به فساد و دزدسالاری در شرکت های حمل و نقل و رانت خواری های پلیس راه و گمرکات و تمام مقامات مسئول در این بخش اعتراض دارند. همچنین یک خواست مهم آنها امن شدن جاده هاست که هر روزه از مردم قربانی میگردد و شرایط کار آنها را نیز پر مخاطره کرده است. رانندگان کامیون در واقع به فقر و نا امنی و بی تامینی اعتراض دارند که اعتراض همه مردم است و باید از آنها وسیعاً حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ دی ۱۳۹۷، ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

## اعتراضات کارگران کشت و صنعت مغان و مردم شروع شد!

در پی واگذاری کشت و صنعت مغان به یک میلیاردی به نام یونس ژانله تحت عنوان خصوصی سازی اعتراضات کارگران این مجتمع و مردم در شهر پارس آباد مغان و شهرها و روستاهای منطقه به این تصمیم دولت بالاگرفته است. کارگران شرکت کشت و صنعت مغان و سایر مردم محروم منطقه دست به تجمع اعتراضی در مقابل دفتر شرکت زدند. همه اهالی منطقه از این تصمیم بشدت عصبانی و معترض هستند.

زمنیهای کشت و صنعت مغان که امروز تحت نام خصوصی سازی به اعوان و انصار خود این حکومت واگذار میشود، زمینهای مردم این منطقه است که در نظام سلطنتی بزور سرنیزه ژاندرها از دستشان گرفته شده است و امروز در اختیار سرمایه داران حکومت اسلامی است.

کارگران شرکت کشت و صنعت مغان، مردم محروم منطقه!

بر هیچکس پوشیده نیست که هدف رژیم سرمایه داران و آیت الله های میلیاردی غارتگر و جنایتکار از خصوصی سازی ( و یا بقول کارگران نیشکر هفت تپه "خصولتی سازی") تحمیل فقر و فلاکت و بدبختی هر چه بیشتر بر کارگران کشت و صنعت و مردم محروم منطقه است!

خود مقامات حکومت اسلامی از همین الان نگران آینده اقداماتشان هستند. سخنرانی نماینده منطقه یک نمونه از ترس رژیم از اعتراضات کارگران است. او به صراحت از تبعات این تصمیم در مجلس به دولت هشدار میدهد!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن حمایت از اعتراضات شما کارگران کشت و صنعت مغان، از سایر کارگران و مردم منطقه و پارس آباد و شهرها و روستاها میخواهد برای هدایت و پیشبرد بهتر اعتراضات، شوراها خودشان را تشکیل دهند. اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه از نوع اعتراضات شماست. آنها با تشکیل مجمع عمومی در واحدهایشان و انتخاب مجمع نمایندگان، اعتصابات و اعتراضات قدرتمندی را پیش بردند و تجربه گرانبهایی برای همه کارگران و مردم ایران به ارمغان گذاشتند. کارگران کشت و صنعت مغان میتوانند و باید این تجربه را راهنمای اعتراضات خود قرار دهند.

کارگران کشت و صنعت مغان!

شما میتوانید با تشکیل شوراها و دعوت کارگران و مردم منطقه به اعتراضات متحدانه، حکومت را وادار به عقب نشینی کنید! در واحدهای کشت و صنعت و در شهرها و روستاها، شوراها مستقل خودتان را تشکیل دهید و اعتراضاتتان را آگاهانه و نقشه مند و قدرتمند پیش ببرید.

پیش بسوی تشکیل شوراها سازماندهی اعتراضات!

پیش بسوی اعتصابات سراسری!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۴ دیماه ۱۳۹۷ برابر با ۲۵ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

## دومین روز تجمع خانواده های بازداشت شدگان گروه ملی فولاد اهواز مقابل استانداری

امروز چهارم دیماه خانواده های کارگران بازداشتی شرکت فولاد اهواز برای دومین روز متوالی در اعتراض به ادامه بازداشت عزیزانشان مقابل استانداری تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی خانواده ها با تاکید بر اینکه وعده داده شده بود که تا روز یکشنبه همه کارگران بازداشتی آزاد خواهند شد، خواستار جوابگویی استاندار و سایر مقامات مسئول شدند. همزمان با این تجمع تعدادی از کارگران فولاد و خانواده های آنان برای پیگیری آزادی بازداشت شدگان مقابل دادگستری تجمع کردند.

ده روز از بازداشت کارگران گروه فولاد ملی اهواز

در این روز فرماندار در جمع کارگران حاضر شد و به کارگران قول پیگیری خواستشان را داد. این مجتمع قبلاً ۵ هزار کارگر داشت که طی ده سال گذشته در نتیجه بیکارسازیها تعداد کارگران آن به دو هزار نفر کاهش یافته است. واگذاری شرکت ها به بخش خصوصی به معنای چوب حراج زدن به این کارخانجات و تشدید شرایط برده وار کار در آنهاست. یک موضوع اعتراض کارگران در کارخانجات مختلف به همین دزدی ها و چپاولگری هاست.

### تجمع کارگران شهرداری مهاباد مقابل شهرداری

روز ۵ دی کارگران شهرداری در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد ۱۴ ماه اضافه کاری و ۴ ماه حقوق کامل خود، برای دومین روز مقابل شهرداری تجمع کردند. طی یک ماهه اخیر کارگران شهرداری در شهرهای مختلف اعتراضات و تجمعاتی با همین مضمون برپا داشته اند. از جمله در شهرهای آبادان، بروجرد، اندیمشک، لالی، حمیدیه و... در رابطه با دستمزدهای معوقه تجمعات متعددی توسط کارگران شهرداری برپا شده است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شورا ها

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ دی ۱۳۹۷، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

### شانزده نفر دیگر از کارگران ملی فولاد اهواز آزاد شدند

تمامی کارگران بازداشتی باید آزاد شوند

طی روزهای چهارم و پنجم دی ماه و بدنبال سه روز تجمع اعتراضی خانواده های کارگران بازداشت شده فولاد ملی اهواز در مقابل استانداری و پیگیری همکارانشان، ۱۶ نفر دیگر از کارگران آزاد شدند. آزادی آنها را به این کارگران، به خانواده هایشان و همگان تبریک میگوییم. هفت نفر دیگر از کارگران فولاد همچنان در بازداشت هستند و ۴ نفر از آنان به اسامی کریم سیاحی، میثم آل مهدی، مصطفی عبیات، طارق خلفی و بهزاد علیخانی در بازداشتگاه اطلاعات سپاه پاسداران نگه داری میشوند. کارگران خواستار آزادی تمامی همکاران زندانی خود بوده و همراه با خانواده پیگیر آزادی آنها هستند.

تجمع فعال خانواده ها و خصوصاً تجمع اعتراضی سه روز اخیر آنان یک اقدام مهم برای توجه دادن همه مردم و فشار برای آزادی همه کارگران زندانی است. باید همراه با خانواده ها و کارگران گروه ملی فولاد اهواز برای آزادی تمامی بازداشت شدگان تلاش کرد. در عین حال تمامی این کارگران به قید وثیقه آزاد میشوند و این به معنای آزادی موقت آنان و قرار داشتن چماق زندان و دستگیری بر روی سر این کارگران و امنیتی کردن فضای اعتراض برای تمام کارگران است. وثیقه

خوزستان،

- گروه تلگرامی "حمایت از معلمین دربند"،

۱- برگروه دانشجویان ایران

- رانندگان کامیون کرمان،

- سندیکای شرکت واحد

- اتحادیه آزاد کارگران ایران،

- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه،

- کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری،

- گروه اتحاد بازنشستگان،

- پیام حمایت تعدادی از دانشجویان،

- تجمع اعتراضی حمایتی کارگران آیین فولاد (۲۷

آذر)

- بیانیه حمایتی تعدادی از دانشجویان کرمان

- جمعی از کارگران در شهر رشت با ارسال پیام حمایتی

در مدیای اجتماعی

- اعلام حمایت رانندگان استان اردبیل از کارگران

فولاد اهواز

- کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان ( TUC

- نامه حمایتی والتر سانچز، دبیرکل کنفدراسیون

جهانی سندیکایی اینداستریال، (در بر گیرنده ۵۰

میلیون عضو در صنایع معدن، انرژی و تولید در بیش

از ۱۴۰ کشور)

- کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them

Now)

- کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

- کمپین آزادی کارگران فولاد

\*\*\*\*\*

### اعتراضات فرهنگیان و کارگران شهرداری و کشت و صنعت مغان

فراخوان فرهنگیان شاغل و بازنشسته ارومیه و اصفهان به تجمع

فرهنگیان شاغل و بازنشسته شهرهای ارومیه و اصفهان برای پیگیری خواستههایشان، به یک تجمع اعتراضی فراخوان داده اند. این تجمع برای روز ششم دی ماه ساعت ده صبح مقابل ساختمان آموزش و پرورش این شهرها فراخوان داده شده است. این فرهنگیان در بیانیه خود بر تحصیل رایگان، آموزش با کیفیت برای همگان، حق داشتن تشکل و آزادی معلمان زندانی، لغو طرح برده وار "معلم تمام وقت"، رفع تبعیض از معلمان حق التدریس و نیروی آزاد که بارها برای استخدام رسمی خود تجمع داشته اند تاکید کرده اند و همه مردم را به دفاع از این خواستها فراخوانده اند.

### تجمع کارگران کشت و صنعت مغان

روز ۴ دی ماه بیش از ۵۰۰ کارگر مجتمع کشت و صنعت و دامپروری مغان در اعتراض به واگذاری شرکت و خطر بیکار شدن از کارشان مقابل ساختمان اداره مرکزی شرکت تجمع کردند. بنا به خبرها این مجتمع مجدداً به صاحب کارخانه شیرین عسل تبریز واگذار شده است. زیر فشار حرکت اعتراضی کارگران

میگذرد و ۲۳ نفر دیگر آنان در زندانند. اسامی کارگرانی که همچنان در زندانند عبارتند از: "میثم علی قنوی، احمدباوی، امین علوانی، مرتضی اکبریان، طارق خلفی، مسعود عفری، جعفر سبحانی، مصطفی عبیات، غریب حویزوی، کریم سیاحی، بهزاد علیخانی، حافظ کنعانی، مجید جلالی، حسین داودی، کاظم حیدری، یاسر ابراهیمیان، میثم آل مهدی، احسان یوسفی، بهزاد شهبازی، سید مجید موسوی، محمد پور حسن، محسن بهبهانی، سید احمد سید نوری. کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان و عملی شدن دیگر خواستههای خود هستند.

شرکت فعال خانواده در مبارزه برای آزادی عزیزانشان یک اقدام بسیار مهم و پیشرو است و باید از آنها وسیعاً حمایت کرد. دستگیری کارگرانی که خواستههای بسیار روشن و بدیهی و بحقی دارند، نمیتواند مانع گسترش اعتراضات کارگران و خانواده های آنها شود. حکومت اسلامی و کارفرمایانی که زندگی کارگران را به محرومیت و مشقت کشانده اند با هر مورد تعرض به کارگران نفرت و سیعتری را علیه خود در کل جامعه دامن میزنند. خواستههای کارگران فولاد اهواز از جمله راه انداختن تولید و تامین شغلی کارگران و پرداخت به موقع دستمزدها و حق تشکل و اعتصاب است. مبارزات کارگران برای عملی شدن خواستههایشان ادامه خواهد یافت. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم را به حمایت هرچه وسیعتر از اعتراضات و خواستههای کارگران فولاد اهواز و در قدم اول آزادی فوری تمامی کارگران دستگیر شده فرا میخواند.

پیش بسوی ایجاد شورا ها

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ دی ۱۳۹۷، ۲۵ دسامبر ۲۰۱۸

### لیستی از حمایت ها از کارگران گروه ملی فولاد اهواز:

- حمایت بازنشستگان در تجمع اعتراضی سه هزار نفره خود در روز ۲۷ آذر در تهران

- حمایت بازنشستگان در تجمعات کرمانشاه، اصفهان، ابهر، گیلان با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد ۲۸ و ۲۹ آذر

- پیام حمایتی اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور مشتمل از ۲۶ انجمن و سندیکا،

- پیام همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه،

- گروه نفتگران متحد خوزستان

- رانندگان کامیون غرب کشور

- دانشجویان دانشگاههای خوزستان،

- گروههایی از رانندگان و کامیونداران خوزستان، کرمان، مشهد، قم، گیلان، استان یزد با کلیههایی حمایت خود را از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند

- ادمین ها و اعضای گروه فرهنگیان و معلمین

علیه کارگران معترض باید برچیده شود و این نوع فشارها و اخاذی‌ها متوقف گردد. در عین حال کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواستهای فوری ای دارند. این کارگران خواستار ایمنی شغلی، پرداخت باموقع حقوق‌ها و یک زندگی انسانی هستند. نباید اجازه داد این دستگیریه‌ها بر روی خواستهای بحق این کارگران سایه بیندازد و آنها را حاشیه‌ای کند. یک اقدام بسیار مثبت و مهم کارگران گروه ملی فولاد اتکای آنها به مجمع عمومی و حفظ صف متحدشان است. حزب کمونیست کارگری همه کارگران و مردم را به ادامه حمایت و پشتیبانی از اعتراضات این کارگران فرامیخواند.

پیش‌بسیوی ایجاد شوراها  
پیش‌بسیوی اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ دی ۱۳۹۷، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۸

لیستی از حمایت‌ها از کارگران گروه ملی فولاد اهواز:

- حمایت بازنشستگان در تجمع اعتراضی سه هزار نفر خود در روز ۲۷ آذر در تهران
- حمایت بازنشستگان در تجمعات کرمانشاه، اصفهان، اهر، گیلان، با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد ۲۸ و ۲۹ آذر
- پیام حمایتی اتحادیه همهانگ کننده رانندگان سراسر کشور مشتمل از ۲۶ انجمن و سندیکا،
- پیام همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه،
- گروه نفتگران متحد خوزستان
- رانندگان کامیون غرب کشور
- دانشجویان دانشگاههای خوزستان،
- گروههایی از رانندگان و کامیونداران خوزستان، کرمان، مشهد، قم، گیلان، استان یزد با کلیه‌هایی حمایت خود را از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه اعلام کرده‌اند
- ادمین‌ها و اعضای گروه فرهنگیان و معلمین خوزستان،
- گروه تلگرامی "حمایت از معلمین دربند"،
- برگروه دانشجویان ایران
- رانندگان کامیون کرمان،
- سندیکای شرکت واحد
- اتحادیه آزاد کارگران ایران،
- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه،
- کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری،
- گروه اتحاد بازنشستگان،
- پیام حمایت تعدادی از دانشجویان،
- تجمع اعتراضی حمایتی کارگران آراین فولاد (۲۷ آذر)
- بیانیه حمایتی تعدادی از دانشجویان کرمان
- جمعی از کارگران در شهر رشت با ارسال پیام حمایتی در مدیای اجتماعی
- اعلام حمایت رانندگان استان اردبیل از کارگران فولاد اهواز

- کنگره اتحادیه‌های کارگری انگلستان (TUC) - نامه حمایتی والتر سانچز، دبیرکل کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال، (در بر گیرنده ۵۰ میلیون عضو در صنایع معدن، انرژی و تولید در بیش از ۱۴۰ کشور)

- کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now)

- کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

- کمپین آزادی کارگران فولاد

\*\*\*\*\*

## حکم ده سال و نیم زندان برای محمد حبیبی نفرت انگیز است

دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی حکم ده سال و نیم حبس، ۷۴ ضربه شلاق، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و دو سال محرومیت از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی برای محمد حبیبی را تایید کرد. تایید این حکم یک گستاخی آشکار در قبال همه کارگران و همه مردم است و باید با اعتراض وسیع و گسترده پاسخ بگیرد. در حالی که معلم در چندین نوبت اعتراضات سراسری و قدرتمندی را به جلو برده‌اند و همین امروز در تدارک اعتراضات گسترده‌تر هستند، جمهوری اسلامی با تایید حکم زندان و شلاق برای محمد حبیبی، میکوشد، گسترش این اعتراضات را سد کند. دستگیری محمد حبیبی و حکم زندان و شلاق برای او گستاخی نفرت انگیز حکومت کثیف اسلامی علیه همه معلمان و همه مردم است.

کمیته دفاع از محمد حبیبی ضمن انتشار بیانیه‌ای اعتراض شدید خود را به تایید این حکم اعلام کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "محمد حبیبی و سایر معلمان دربند بخاطر آرمان‌والای آزادی و عدالت در زندان هستند آنان خواهان یک زندگی شرافتمندانه برای همه و یک آموزش رایگان، کیفی و عادلانه برای تمام کودکان هستند. حبس و زندان کردن محمد حبیبی بخاطر آن است که با روشنگری و تلاش‌های وی منافع باندهای قدرت و ثروت به خطر افتاده است. و امروز قوه قضاییه نشان داد که حامی ستمگران است و هر صدای حق طلبی را خفه خواهد نمود. پس باید یک صدا و متحد، صدای معلمان دربند و محمد حبیبی باشیم و رو به ستمگران بگوییم ما همه محمد حبیبی هستیم. مرعوب شما نمی‌شویم و برای تحقق آرمان آزادی و برابری متحدانه تلاش می‌کنیم. کسانی که این حکم را صادر کرده‌اند باید بدانند محمد حبیبی ها امروز در سراسر ایران تکثیر شده‌اند. گویی اینها شعار "محمد حبیبی آزاد باید گردد" دانشجویان امیرکبیر، فریاد "معلم زندانی آزاد باید گردد" بازنشستگان و کارگران را از آذربایجان تا کردستان نشنیده‌اند. ما به کلیه فعالان صنفی و مدنی و تشکل‌های حامی حقوق زندانیان، تشکل‌های صنفی مستقل، تشکل‌های کارگری، فعالان مدنی زنان، نهادهای دانشگاهی بخصوص دانشجویان و مردم شریف ایران فراخوان می‌دهیم در مقابل این ظلم آشکار

سکوت نکنند."

در همین رابطه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران طی بیانیه‌ای تایید حکم زندان و شلاق محمد حبیبی را محکوم کرده و با اعلام اینکه اینگونه احکام تشکلهای صنفی و معلمان معترض را مقهور خواهد کرد، بر پیگیری قدرتمند مطالبات فرهنگیان تاکید کرده است. شورای هماهنگی با محکوم کردن امنیتی کردن مبارزات، خواهان صدور دستور توقف چنین احکامی که از مصادیق بارز احکام امنیتی است، شده است.

حزب کمونیست کارگری ادامه بازداشت محمد حبیبی و تایید احکام سنگین زندان و شلاق برای او را شدیداً محکوم کرده و همه مردم را به اعتراض به این حکم ضد انسانی به هر شکل ممکن فرا میخواند. این احکام تقلای حکومت اسلامی سرمایه‌داران برای عقب راندن کل جامعه از خواستهای انسانی ای است که هرروز در گوشه و کنار توسط بخشهای مختلف مردم فریاد زده میشود. گسترش نفرت و خشم عمیق‌تر همه معلمان و مردم از محکومیت یک معلم انسان دوست مثل محمد حبیبی هیچ تردیدی نیست و این نوع احکام ضد انسانی نمیتواند مانع گسترش بیشتر خیزشهای مردم برای دست‌یابی به آزادی و زندگی انسانی گردد.

نابود باد جمهوری اسلامی  
پیش‌بسیوی اعتصابات سراسری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ دی ۱۳۹۷، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۸  
\*\*\*\*\*

## تبرئه ۱۵ کارگر نیشکر هفت تپه

تمام پرونده‌های امنیتی باید بسته شود

روز چهارم دیماه فرزانه زیلابی، وکیل مدافع کارگران بازداشتی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه از صدور قرار منع تعقیب برای ۱۵ عضو مجمع نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه که در جریان اعتراضات قدرتمند این کارگران در آبانماه بازداشت شده و بعد به قرار وثیقه آزاد شده بودند، خبر داد. او در این خبر درباره آخرین وضعیت پرونده علی نجاتی، عضو سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و اتهامات انتسابی به وی و چهار نفر دیگر از بازداشتی‌های نیشکر هفت تپه به اسامی اسماعیل بخشی، مسلم آرمنند، سید حسن فاضلی و محمد خنیفر و سپیده قلیان فعال خبرنگاری که در جریان مبارزات نیشکر هفت تپه بازداشت شدند، اطلاع داد که تحقیقات در مورد آنان در دادپاری دادرسی شهرستان شوش ادامه دارد.

دراین گزارش خانم فرزانه زیلابی میگوید "این نکته جالب توجه است که در تمام پرونده‌های متعدد مطرح شده علیه موکلینم، قرار صادره به صراحت تجمع‌های صنفی مسالمت‌آمیز کارگران برای اولین بار به رسمیت شناخته است."

رابطه با همین خواستها معلمان شاغل و بازنشسته در روزهای قبل در کرمانشاه، مشهد، تهران، رشت، ابهر، تبریز تجمع داشتند.

حزب کمونیست کارگری حمله وحشیانه به تجمع معلمان و بازداشت تعدادی از معلمان در اصفهان را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان است. خواستهای معلمان و در راس آنها خواستهای تحصیل رایگان برای همه و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، خواستهای همه مردم است و باید مورد پشتیبانی همه کارگران و مردم قرار گیرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ دی ۱۳۹۷، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

### تجمع بزرگ پرستاران در مقابل مجلس اسلامی

روز پنجم دیماه جمع زیادی از پرستاران با تجمع در مقابل مجلس اسلامی پیگیری موضوع استخدامشان شدند. به گفته پرستاران هم اکنون ۳۳۱ هزار نفر نیروی پرستار در سیستم درمانی کشور کار میکنند. این در حالیست که در گزارشات دولتی از کمبود دویست هزار پرستار در مراکز درمانی گزارش شده است. حال با اجرای قانون "ارتقای بهره وری" که بطور واقعی قانون بالا بردن شدت استثمار پرستاران است، نیروی پرستار ده درصد دیگر نیز کاهش داده شده است. بعلاوه اینکه رشد روز افزون جمعیت و میزان سالمندی، ایجاد بیمارستانها و توسعه بخشهای ویژه مانند ICU، CCU و سایر تختهای بیمارستانی جدید، گسترش بخشهای اورژانس بر معضله کمبود پرستار شدت داده است. این موضوع شدت کار را بر روی پرستاران هر روز افزایش بیشتری داده و یک موضوع مهم اعتراض آنهاست.

استخدام پرستار به میزان مورد نیاز، بالابردن استانداردهای بیمارستانها و درمان و بهداشت، ممنوعیت اضافه کاری اجباری، افزایش حقوق پرستاران به بالای خط فقر ۶ میلیونی، رفع تبعیضها همه و همه از جمله خواستههایی است که پرستاران بارها و بارها در اعتراضاتشان اعلام کرده اند. خواستهای پرستاران به وضع سلامت و بهداشت کل جامعه مربوط است و لازمست با وسیعترین حمایت اجتماعی روبرو شود. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت وسیع از خواستهای پرستاران به همبستگی وسیع مردم با آنها تاکید دارد.

نابود باد جمهوری اسلامی

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ دی ۱۳۹۷، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

تمامی رانندگان کامیون و کامیوندران را به پیوستن هر چه وسیعتر به این اعتراضات فرا میخواند. اعتراضات رانندگان کامیون بخشی از اعتراضات اجتماعی علیه کل سیستم چپاول و دزدی حاکم در جامعه است و شایسته وسیعترین حمایت هاست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ دی ۱۳۹۷، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

### برگزاری تجمعات اعتراضی معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان و ارومیه

ساعت ده صبح امروز ششم دی ماه بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده فرهنگیان شاغل و بازنشسته در اصفهان و ارومیه مقابل ساختمان آموزش و پرورش این دو شهر تجمع کردند. در اصفهان نیروهای سرکوب به منظور ممانعت از تجمع معلمان و فرهنگیان به تجمع کنندگان با اسپری فلفل حمله کردند اما علیرغم این حملات و فضای امنیتی ای که ایجاد شده بود، معلمان تجمع اعتراضی خود را ادامه دادند. در گوشه ای از این تجمع در حالیکه معلمان شعار میدادند "اینهمه بیعدالتی، هرگز ندیده ملتی"، خبرنگاری از سوی صدا و سیما جمهوری اسلامی با یکی از تجمع کنندگان در مورد این تجمع پرسش میکرد این معلم در پاسخ به خبرنگار با اعتراض گفت "شما طوری صحبت میکنید که انگار نمیدانید چه خبر است. این کار شما نمایشی است. شما از صدا و سیما اینجا آمده اید و با من حرف میزنید، برای اینکه بگویند ماموریتتان را انجام داده اید. من به شما چه بگویم. مگر نمی بینید در جامعه چه خبر است؟ شما یک چیز مثبت به من نشان دهید. معضل مردم فقر است. حالا شما میخواهید من بیایم بگویم که معضل ما فقر است؟!"

در این روز نیروهای انتظامی نسبت به تلفنهای همراه بسیار حساس بودند و به هر کس که گوشی اش را بیرون می آورد با وحشیگری حمله می کردند. از جمله در جریان حمله به یکی از معلمان که تلاش داشتند تلفن همراه او را بگیرند، سایر معلمان و مردم حاضر در تجمع به کمک وی رفته و او را فراری دادند. در این روز چند نفر از معلمان بازداشت شدند.

در این روز در ارومیه نیز معلمان شاغل و بازنشسته تجمع کردند. این تجمع مطابق فراخوان قبلی در اعتراض به پایین بودن حقوق و برای آزادی معلمین زندانی و همسان سازی حقوق بازنشستگان و سایر مطالباتشان صورت گرفت.

این فرهنگیان در فراخوان خود برای تجمع اعتراضی در این روز بر تحصیل رایگان، آموزش با کیفیت برای همگان، حق داشتن تشکل و آزادی معلمان زندانی، لغو طرح برده وار "معلم تمام وقت"، رفع تبعیض از معلمان حق التدریس و نیروی آزاد که بارها برای استخدام رسمی خود تجمع داشته اند تاکید کرده بودند. یک خواست آنها حمایت همه مردم از اعتراضاتشان بود. در

بدین ترتیب دستگاه قضایی حکومت اسلامی زیر فشار اعتراضات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه که توانست موجی از همبستگی را با خود بوجود آورد و صدایش جهانی شد، برای پانزده نفر از کارگران بازداشتی که با اتهامات امنیتی، همچون "اخلال در نظم و امنیت ملی" مورد محاکمه قرار گرفته بودند، قرار منع تعقیب صادر کرد. نکته مهمتر اینکه در این حکم سرکوبگران حکومت اسلامی ناگزیر شدند، به برپایی تجمعات هزاران نفره کارگران نیشکر هفت تپه را که توانست شهر شوش را به حرکت در آورد، تحت عنوان "تجمعات مسالمت آمیز" گردن بگذارند. این یک عقب نشینی تحمیل شده به حکومت اسلامی است و کارگران را یک گام دیگر به عقب زدن کامل امنیتی کردن مبارزات نزدیکتر میکند.

گفتنی است که علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه و عسل محمدی دانشجویی که در ارتباط با اعتراضات اخیر این کارگران بازداشت شده، همچنان در بازداشت بسر میبرند. پرونده اسماعیل بخشی و سپیده قلیان نیز همچنان باز است. علی نجاتی و عسل محمدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. حزب کمونیست کارگری بر ممنوعیت وثیقه و لغو و ابطال تمام پرونده های امنیتی تشکیل شده برای اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران و تمامی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه تاکید دارد.

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ دی ۱۳۹۷، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۸

\*\*\*\*\*

### اعتصاب رانندگان کامیون و کامیونداران

#### به ۲۴ شهر رسید

در پنجمین روز اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران سی و چهار شهر در نوزده استان به اعتصاب پیوسته اند. در ادامه گزارشات روزهای قبل امروز اخبار دریافتی از پیوستن رانندگان کامیون در کنگاور، شیراز، بیرجند، مشهد، مرند، کاشان و قزلحصار خبر میدهند.

یک اقدام جالب رانندگان پخش کلیپهایی در توضیح علت اعتصاب سراسری شان و همدردی آنها با همه مردم و از جمله درد گرانی و درآمدهای پایین زیر خط فقر، اختلاسها و چپاولها، بی تامینی و محرومیت از هر گونه بیمه اجتماعی ای چون درمان رایگان و نیز تحصیل رایگان برای فرزندان شان و نا امنی جاده و خطرات جانی در جاده هاست.

رانندگان کامیون به بساط دزدسالاری و مافیایی شرکت های حمل و نقل، رانت خواریها و باجگیری های مامورین راه و گمرک و موسسات مختلف دولتی، شرایط نا امن کاری و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان بخاطر گرانی های سرسام آور و نیز به تبعیضها و نابرابری اعتراض دارند.

اعتصاب اختطاری رانندگان کامیون و کامیونداران تا دهم دی ماه ادامه دارد. حزب کمونیست کارگری

## سرمایه داری

### ترازنامه عملی

نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریزناپذیر این نظامند. سخنگویان بورژوازی در انکار این حقیقت، خاطر نشان میکنند که این مصائب را سرمایه داری ابداع نکرده است، که همه اینها مقدم بر سرمایه داری وجود داشته اند، که استثمار و تصاحب دسترنج تولید کنندگان، استبداد، تبعیض، ستمکشی زن، جهل و خرافه و مذهب و فحشاء کمابیش به قدمت خود جامعه بشری اند.

آنچه در این میان پرده پوشی میشود این واقعیت است که اولاً، همه این مصائب و محرومیت ها در این جامعه محتوا و معنای جدیدی متناسب با نیازهای جهان سرمایه داری یافته اند و هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لایتجزای این نظام، باز تولید میشوند. منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی در انتهای قرن بیستم، نظام اقتصادی انتهای قرن بیستم است. استبدادها و دیکتاتوری های خونین، جنگها، مردم کشی ها و سرکوب و اختناق که سهم صدها میلیون انسان امروز از زندگی است، حکمت خود را از نیازها و ملزومات نظام حاکم بر جهان امروز میگیرد و به منافی در همین جهان خدمت میکند. فرودستی زن امروز در کل پهنه جهان، محصول اقتصاد و اخلاقیات قرون وسطی نیست، محصول نظام اقتصادی و اجتماعی و ارزش های اخلاقی جامعه امروز است.

ثانیاً، این بورژوازی و نظام سرمایه داری است که دائماً به سرسختانه ترین وجه با تلاش هر روزه توده های وسیع مردم در چهارگوشه جهان برای فائق آمدن بر این مشقات و محرومیت ها و عقب ماندگی ها مقابله میکند. تلاش هر روزه کارگر برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی و حقوق مدنی توده وسیع مردم با مانعی جز بورژوازی و دولت ها و احزاب و مبلغینش روبرو نیست. خیزش های توده های وسیع مردم در مناطق عقب مانده و محروم برای

دخالت در سرنوشت خویش، بعنوان اولین مانع با نیروی قهریه بورژواهای محلی و بین المللی روبرو میشود. دولت، نهاد مذهب، رسانه ها و دستگاه های تبلیغاتی عظیم بورژوازی، سنت ها و اخلاقیات و نظام تربیتی و آموزشی طبقه حاکمه سازنده ذهنیت های عقب مانده، متعصب و تبعیض گر در بین توده مردم و نسلهای پی در پی است. جای تردید نیست که این سرمایه داری و بورژوازی است که سد راه نقد و تغییر جهان امروز توسط میلیون ها انسانی است که نه فقط از نظام موجود به تنگ آمده اند بلکه کمابیش خطوطی را که یک جامعه شایسته انسان باید بر طبق آن سازمان یابد شناخته اند.

امروز، در انتهای قرن بیستم، در اوج جهانی شدن سرمایه و سرمایه داری، در دل عظیم ترین انقلابات تکنولوژیکی، بشریت در یکی از خطرناک ترین دوره های تاریخ خود سیر میکند. مساله بقاء فیزیکی معضل میلیون ها انسان از کشورهای فقر زده آفریقا و آسیا تا قلب پایتخت های اروپای غربی و آمریکاست. امید توسعه اقتصادی جوامع عقب مانده دیگر به تمامی به یاس مبدل شده است. رویای رشد جای خود را به کابوس دائمی قحطی و بی غذایی و بیماری داده است. در اروپا و آمریکای پیشرفته بدنبال سالها رکود عمیق اقتصادی، نوید نیم بند "رونق بدون اشتغال"، عینا همین کابوس را جلوی دهها میلیون خانواده کارگری گرفته است. جنگ و مردم کشی در ۵۰ قاره بیداد میکند. عظیم ترین عقبگردهای فکری و فرهنگی در جریان است، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، مردسالاری، نژاد پرستی، قوم پرستی و فاشیسم تا سقوط حقوق و شان فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیون ها مردم از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم بازار آزاد. جنایت سازمان یافته در اغلب کشورها به یک واقعیت پابرجا در زندگی روزمره مردم و حیات اقتصادی و سیاسی کل جامعه تبدیل شده است. اعتیاد به مواد مخدر و قدرت روز افزون شبکه های جنایی تولید و توزیع آنها یک معضل عظیم و لاینحل بین المللی است. نظام سرمایه داری و اصل اصالت سود کل محیط زیست را با خطرات جدی و لطمات جبران ناپذیری روبرو ساخته است. در این میان متفکرین و سخنگویان بورژوازی حتی مدعی ارائه پاسخی در قبال این اوضاع نیستند. این واقعیت عملی سرمایه داری امروز است که آینده بسیار هولناکی را پیشروی کل مردم جهان گرفته است.

از "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب کمونیست کارگری

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**